گواه ظلم

جلد دوم

انجیل

نیما شهسواری

گواه ظلم

(مروری بر کتب آسمانی خدا)

جلد دوم

انجیل

گردآورنده

نیما شهسواری

فهرست

سخن گردآورنده ۱۵

پیشگفتار ۱۶

سرگذشت عیسی مسیح نوشته متی ۱۸

تولد عیسی مسیح ۱۹

فرار به مصر ۲۰

ظهور یحیای پیامبر ۲۱

موعظه سر کوه، راز خوشبختی ۲۲

احکام تورات ۲۳

ثروت و خوراک و پوشاک ۲۵

ایراد نگیرید ۲۵

راه رسیدن به خدا ۲۶

شفای خدمتکار افسر رومی ۲۷

شفای دیوانه ۲۸

دوازده شاگرد عیسی ۲۹

سزای بی‌ایمانی ۳۱

تهمت ناروا به عیسی ۳۲

ملکوت خدا رشد می‌کند و وسیع می‌شود ۳۳

احکام خدا یا آداب و رسوم انسان ۳۴

ایمان زن کنعانی به عیسی ۳۵

پرداخت مالیات خانه خدا ۳۶
عیسی درباره طلاق چه می‌گوید ۳۷
نیروی ایمان ۳۸
نباید نسبت به ملکوت خداوند بی‌اعتنا بود ۳۹
تظاهر به دین‌داری ۴۰
روز داوری ۴۱
آخرین روزهای زندگی عیسی در این دنیا ۴۲
آخرین شام عیسی با شاگردان ۴۲
آخرین دعا در باغ جتیسمانی ۴۳
دستگیری و محاکمه عیسی ۴۴
سرگذشت عیسی مسیح نوشته لوقا ۴۷
زن بدکاره آمرزیده می‌شود ۴۷
مأموریت هفتاد شاگرد دیگر ۴۹
وارستگی از طمع و مادیات ۵۰
آماده باشید ۵۱
توبه یا هلاکت ۵۳
تا فرصت باقی است باید به‌سوی خدا بازگشت نمود ۵۴
استفاده درست از مال دنیا ۵۵
گفتار عیسی درباره آخرالزمان ۵۷
سرگذشت عیسی مسیح نوشته یوحنا ۵۹
تولد تازه ۵۹
مقام و اختیارات عیسی ۶۰

محاکمه زن بدکاره ٦٠
یهودیان عیسی را به عنوان مسیح قبول نمی‌کنند... ٦١
عیسی به شاگردان تعلیم می‌دهد که با او پیوند داشته باشند ٦٢
اعمال رسولان مسیح ٦٣
انتخاب شاگرد جدید به جای یهودا.. ٦٣
موعظه پطروس رسول.. ٦٤
پیغامبران راجع به عیسی پیشگویی کرده بودند ٦٤
انتخاب هفت نفر برای خدمت... ٦٥
موعظه استیفان نخستین شهید مسیحیت.. ٦٦
پولس دشمن مسیح پیرو مسیح می‌شود ٦٧
افسر رومی پیروی مسیح می‌شود ٦٨
آزادی پطروس از زندان هیرودیس ٦٩
مرگ هیرودیس ٧٠
پولس عیسی مسیح را به یهودیان می‌شناساند.. ٧٠
در قرنتس هم یهودیان آشوب برپا می‌کنند.. ٧١
خدمت پولس در افسس مرکز بت‌پرستی ٧٢
دستگیری پولس در اورشلیم ٧٣
پولس در حضور اغریپاس پادشاه و فستوس فرماندار ٧٤
نامه پولس به مسیحیان روم ٧٥
خشم خدا نسبت به گناهان بشر.. ٧٦
فقط خدا می‌تواند بر گناه‌کاران داوری کند ٧٧
داوری منصفانه خدا ٧٨

ابراهیم و نجات او ۷۹
وعده‌های خدا به وسیله ایمان بدست می‌آید ۸۰
گناه حضرت آدم و بخشش عیسی مسیح ۸۰
بردگان پاکی و صداقت.. ۸۱
سختی‌های زمان حاضر هیچ است ۸۱
محبت قابل اعتماد مسیح ۸۲
رحمت خدا بر قوم اسرائیل ۸۳
نجات غیر یهودیان.. ۸۳
رفتار ما در مقابل لطف خدا ۸۴
رفتار خوب مسیحی.. ۸۴
وظیفه مسیحیان نسبت به دولت ۸۵
وظیفه مسیحیان نسبت به یکدیگر ۸۵
سخن آخر ۸۶
نامه اول پولس به مسیحیان قرنتس.. ۸۷
مسیح حکمت و قدرت خدا.. ۸۷
شما خانه خدا هستید.. ۸۸
اخراج عضو خطاکار از کلیسا.. ۸۹
سؤال درباره ازدواج ۹۰
وضع زناشویی میان مسیحی و بی‌ایمان.. ۹۱
حقوق خدمتگزار خدا ۹۲
سفره بت‌ها و شام خداوند.. ۹۳
پوشیده بودن سر زنان به هنگام عبادت ۹۴

زنده شدن مسیح پایه مسیحیت است ۹۵
خاتمه نامه ۹۵
نامه دوم پولس به مسیحیان قرنتس ۹۶
ما برای خدا عطر خوشبو هستیم ۹۶
با دلیری پیغام انجیل را موعظه می‌کنیم ۹۶
پیغام ما روشن است و به مردم روشنایی می‌بخشد.. ۹۷
رابطه ایمان‌دار و بی‌ایمان.. ۹۷
شادی پولس.. ۹۸
پولس از خدمت خود دفاع می‌کند ۹۸
پولس و رسولان دروغین ۹۹
آخرین هشدار ۹۹
نامه پولس به مسیحیان غلاطیه ۱۰۰
سرزنش پطروس.. ۱۰۰
معنی واقعی شریعت و احکام.. ۱۰۱
حفظ آزادی نجات ۱۰۲
زندگی آزاد به وسیله روح خدا ۱۰۳
نامه پولس به مسیحیان افسس.. ۱۰۴
عمر دوباره در مسیح ۱۰۴
روابط زن و شوهر ۱۰۵
فرزندان و والدین غلامان و اربابان ۱۰۶
نامه پولس به مسیحیان فیلیپی ۱۰۷
نجات به وسیله مسیح نه از راه دین‌داری ۱۰۸

سرمنزل آسمانی‌ها.. ۱۰۸
نامه پولس به مسیحیان کولسی.. ۱۰۹
مسیح که بود و چه کرد.. ۱۰۹
رفتار تازه.. ۱۱۰
نامه اول پولس به مسیحیان تسالونیکی.. ۱۱۱
شهرت ایمان تسالونیکیان ۱۱۱
خدمت پولس در تسالونیکی ۱۱۱
آمادگی برای بازگشت خداوند.. ۱۱۲
نامه دوم پولس به مسیحیان تسالونیکی.. ۱۱۳
پایان زحمات و رنج‌ها ۱۱۳
نامه اول پولس به تیموتائوس ۱۱۴
مبارزه با تعالیم غلط... ۱۱۴
دستورات در خصوص دعا و عبادت ۱۱۵
کشیشیان و شماسان ۱۱۶
رفتار با بیوه‌زنان در کلیسا ۱۱۶
رفتار با کشیشان ۱۱۷
رفتار غلام مسیحی.. ۱۱۸
نامه پولس به تیطوس ۱۱۹
وظایف گروه‌های مختلف.. ۱۱۹
نامه‌ای به مسیحیان یهودی‌نژاد (عبرانیان) ۱۲۰
برتری مسیح بر فرشتگان... ۱۲۰
هشدار در مقابل بی‌ایمانی ۱۲۱

عیسی مسیح کاهن اعظم ما...... ۱۲۲
هشدار در مورد رد کردن خدا ۱۲۳
پرستشگاه پیمان اول ۱۲۳
خون مسیح پاک‌کننده قطعی گناه...... ۱۲٤
نوح ۱۲۵
ابراهیم ۱۲۵
موسی ۱۲٦
راحاب...... ۱۲٦
دعوت به صبر و پایداری ۱۲۷
هشدار در مورد بی‌توجهی به امور الهی ۱۲۷
چند اندرز مفید ۱۲۸
نامه یعقوب ۱۲۹
شادی در سختی‌ها...... ۱۲۹
دوری از تبعیض ۱۲۹
خطرات زبان...... ۱۳۰
داروی از آن خداست ۱۳۰
انسان نمی‌داند فردا چه می‌شود ۱۳۱
عاقبت کار ثروتمندان ظالم...... ۱۳۱
نامه اول پطروس ۱۳۲
آزمایش ایمان ۱۳۲
سنگ‌های زنده در دست خدا ۱۳۳
کلامی چند به زن و شوهر مسیحی...... ۱۳۳

کلامی به کشیشان کلیسا و جوانان ۱۳۴
نامه دوم پطروس ۱۳۵
معلمین دروغین و عاقبت کار آنان... ۱۳۵
روز خداوند ۱۳۶
نامه اول یوحنا ۱۳۷
زندگی در نور و محبت.. ۱۳۷
هشدار درباره دجال... ۱۳۸
نامه دوم یوحنا.. ۱۳۹
نامه سوم یوحنا ۱۴۰
نامه یهود ۱۴۱
گناه و هلاکت بی‌دینان ۱۴۱
مکاشفه، رویدادهای آخرالزمان.. ۱۴۲
مسیح بر یوحنا آشکار می‌شود... ۱۴۳
پیام مسیح به کلیسایی که نسبت به تعالیم غلط واکنش نشان نمی‌دهد ۱۴۴
پیام مسیح به کلیسایی که نسبت به گناه واکنش نشان نمی‌دهد............................ ۱۴۵
پیام مسیح به کلیسای بی‌روح.. ۱۴۶
پیام مسیح به کلیسای خودپسند.. ۱۴۶
طومار وقایع آینده.. ۱۴۷
بره مهرها را باز می‌کند، سوار اول نبرد ۱۴۹
سوار دوم ناآرامی ۱۴۹
سوار سوم قحطی ۱۵۰
سوار چهارم مرگ... ۱۵۰

فریاد شهدا برای دادرسی........ ۱۵۱
غضب خداوند........ ۱۵۱
مهر شدن بندگان خدا........ ۱۵۲
گروه بزرگ نجات یافتگان........ ۱۵۳
مهر هفتم سکوت مطلق........ ۱۵۳
شیپور اول تگرگ و آتش........ ۱۵٤
شیپور دوم کوه آتشین........ ۱۵٤
شیپور سوم ستاره تلخ........ ۱۵٤
شیپور چهارم تاریکی نور آسمان........ ۱۵۵
شیپور پنجم چاه بی‌انتها........ ۱۵۵
شیپور ششم دیوهای کشتار........ ۱۵٦
طومار کوچک در دست فرشته........ ۱۵۷
ظهور جانور عجیب........ ۱۵۸
شیپور هفتم پرستش در آسمان........ ۱۵۹
شیپور هفتم رؤیای زن........ ۱۵۹
شیپور هفتم اژدها دشمن زن آبستن........ ۱٦۰
دشمنی اژدها با زن........ ۱٦۰
جانوری از دریا........ ۱٦۱
جانوری از زمین........ ۱٦۲
فرشته ویرانی........ ۱٦۳
فرشته داوری........ ۱٦۳
پاداش شهدا........ ۱٦۳

هفت بلای آخر ۱٦٤
جام اول زخم........ ۱٦۵
جام دوم مرگ در دریا ۱٦۵
جام سوم آب خون می‌شود ۱٦٦
جام چهارم حرارت سوزان........ ۱٦٦
جام پنجم بلای تاریکی........ ۱٦٦
جام ششم رودخانه بزرگ خشک می‌شود ۱٦٧
جام هفتم خرابی‌هایی از هوا ۱٦٧
رؤیای فاحشه معروف دنیا........ ۱٦٨
نابودی نهایی بابل ۱٦۹
شرح و سرنوشت بابل ۱۷۰
کلمه خدا سوار بر اسب سفید ۱۷۱
اسارت هزار ساله شیطان ۱۷۲
نابودی نهایی شیطان........ ۱۷۲
روز داوری آخر........ ۱۷۳

سخنی با شما

به نام آزادی یگانه منجی جانداران

بر خود وظیفه می‌دانم تا در سرآغاز کتاب‌هایم چنین نگاشته‌ای به چشم بخورد و همگان را از این درخواست باخبر سازم.

نیما شهسواری، دست به نگاشتن کتبی زد تا به‌واسطه آن برخی را به خود بخواند، قشری را به آزادگی دعوت کند، موجبات آگاهی برخی گردد و این‌چنین افکارش را نشر دهد.

بر خود، ننگ دانست تا به‌واسطه رزمش تجارتی برپا دارد و این رزم پاک را به ثروت مادی آلوده سازد.

هدف و آرمان، من از کسی پوشیده نیست و برای دانستن آن نیاز به تحقیق گسترده نباشد، زیرا که هماره سخن را ساده و روشن‌بیان داشتم و اگر کسی از آن مطلع نیست حال دگربار بازگو شود.

بپا خواستم تا برابر ظلم‌های بیکران خداوند، الله، یهوه، عیسی، انسان و یا هر نام دیگری که غایت و هدف را هماره باقدرت تلاقی داده است، فریاد برآورم و آزادی همه جانداران را فراهم‌سازم. رهایی جاودانی که دارای یک قانون است و آن احترام و آزار نرساندن به دیگر جانداران، گیاهان، حیوانات و انسان‌ها است.

بر خود ننگ می‌دانم که در راستای رسیدن به این هدف والا که همانا آزادی است قانون رهایی را نقض و باعث آزار دگر جانداران شوم.

با مدد از علم و فناوری امروزی، می‌توان راه گذشتگان را در پیش نگرفت و دگر چون گذشته برای نشر کتب از کاغذ استفاده نکرد، زیرا که این کاغذ از تن والای درختان زیبا غارت شود و موجبات مرگ این جاندار و تخریب طبیعت را حادث گردد.

من خود هیچ‌گاه نگاشته‌هایم را بر کاغذ، جان درخت نشر ندادم و تنها خواسته‌ام از ناشران کتب نشر ندادن این نگاشته‌ها بر کاغذ است. حال چه از روی سودجویی و چه برای ترویج و اطلاع‌رسانی.

امروز می‌توان با بهره‌گیری از فناوری در برابر مرگ و تخریب درختان این جانداران والا ایستادگی کرد، پس اگر شما خود را مبلغ افکار آزادگی می‌دانید که بی‌شک بی‌مدد از این نگاشته نیز هیچ‌گاه به قتل طبیعت دست نخواهید زد. اگر هم تنها هدفتان سودجویی است و بر این پیشه پا فشارید بی‌بهره از کشتار و قتل‌عام درختان می‌توانید از فناوری بهره گیرید تا کردارتان از دید من و دیگر آزاد اندیشان به‌حق و قابل‌تکریم گردد.

به امید آزادی و رهایی همه جانداران



سخن گردآورنده

گواه ظلم آیات و نشانه‌هایی از کتب آسمانی خداوند در میان ادیان ابراهیمی است که ظلم خداوند را فریاد می‌زند، در این کتاب سعی شده تا گواهی بر این مدعا که خداوند ظالم است جمع‌آوری شود و برای این کار به کلام او در ادیان اصلی و رسمی‌اش که ادعا آن را دارند که این کتاب‌ها کلام خداوندی است مورد پژوهش و بررسی قرار گرفته است.

بر این آیات و نشانه‌ها توسط گردآورنده چیزی افزوده نشده و از فحوای آن چیزی کاسته نشده است در این گرداوری، گردآورنده دست به تفسیر افزودن به آن نزده تا مخاطب، خویش آن را بخواند و قضاوت کند تا دریچه‌ای باشد برای انتخاب درست و شناخت بهتر خداوند و ادیان یکتاپرستانِ خداوندی

این کتاب گردآمده است تا مردم سراسر جهان بیشتر به فکر فرو روند و برای باورهایشان احترام بیشتری قائل باشند و با مدد از دانش و عشق و علاقه قلبی راه و طریقت خود را بجویند و کسی در اسارت به ارث بردن ادیان در این وادی محبوس نشود و با خواندن فعل خواستن را صرف کند.

باشد که دریچه‌ای برای آزادی به روی همگان باز شود.

به امید روز آزادی جانداران که در همین نزدیکی است.

پیشگفتار

انجیل کتاب مقدس مسیحیان سراسر جهان که بیشترین مردمان معتقد به باورهای خداوندی در ادیان ابراهیمی را به خود اختصاص داده است در این بخش از کتاب (گواه ظلم) مورد بررسی قرار گرفته است.

در ابتدای امر باید دانست که تورات به عنوان عهد عتیق در کنار انجیل به عنوان عهد جدید در بین مسیحیان دارای ارزش و اعتبار است و خواننده باید بداند که این دو کتاب در کنار هم پایه اعتقادات مسیحیان سراسر جهان را تشکیل داده است و تنها اکتفا به انجیل نمی‌توان کرد، برای شناخت بهتر این پایه اعتقادی باید هر دو کتاب را در نظر داشت.

در کنار این امر باید دانست که برای شناخت و گواه گرفتن بر ظلم‌های خداوندی در دین مسیحیت فرای انجیل، باید نگاهی به تاریخ این دین پیدایش، قدرت‌گیری و تا حال و امروز آن در سراسر جهان انداخت.

تاریخی که با خون و شمشیر تلاقی می‌کند و بسیاری از کشورهای دنیا را به زور شمشیر آخته مؤمن به دین خداوندی کرده است، تاریخی که سراسر آن توأم گشته است با جنگ‌های صلیبی و خونین که زندگی بسیاری از انسان‌های سراسر دنیا را به خون کشیده و این جنگ‌ها که به واسطه تحمیل عقاید به کفار یا به دیگر ادیان جهان و یا تفرقه‌های مذهبی میان مسیحیان حادثه‌های خون‌باری را در تاریخ به وجود آورده است.

در کنار این اتفاقات باید به یاد تفتیش عقاید در قرون‌وسطی ارتداد و کشتار ساحره‌ها، زنان، دگراندیشان، عالمان و دانشمندان و بسیاری دیگر از زشتی‌ها افتاد و امروز که به یاد مسیحیت و انجیل

می‌افتیم ناخودآگاه چهره کودکانی در برابرمان ترسیم می‌شود که چگونه مورد تجاوز روحانیون مسیحی در کلیسا قرار گرفتند و جان و تنشان میان آتش دین و شهوت پرهیزگاری سوخت و خاکستر شد.

چه بسا بهتر است تا خواننده برای شناخت بهتر مسیحیت تنها خویش را به دانستن و خواندن انجیل محبوس ندارد و برای شناخت بهتر این زشتی‌های اشاعه شده توسط مسیحیت ایضاً خداوندی بیشتر از پیش همت گمارد به تحقیق راه برد تا دریچه‌ای تازه برای شناخت بهتر خداوند و ادیان ابراهیمی بجوید دینی که شاید در میان ادیان ابراهیمی بیش از دیگران ادعای محبت و عشق داشته و پیامبرش زاهد و پرهیزگارتر از سایرین از نگاه عموم مردم جهان بوده است.

در پایان باید ذکر کنم که در این گردآوری سعی شده تا از تکرار پرهیز شود و به واسطه اینکه در چهار سرگذشت ابتدائی موجود در انجیل داستان‌ها همانند یکدیگر است در بار اول داستان به صورت کامل و در بارهای بعدی تنها مطالب متفاوت بیان شده است.

به امید روزی که همگان باوری را برگزینند که از آن شناخت و دانش کافی داشته و به آن عشق بورزند و در سرایی زندگی کنند که آزادی با تعاریف شخصی آنان و در پرتوی قانون حق و راستین آن حکم‌فرما باشد روزی که نزدیک به تلاش همه ما است.

سرگذشت عیسی مسیح نوشته متی

پدر متان و متان پدر یعقوب بود یعقوب پدر یوسف و یوسف شوهر مریم و مریم مادر عیسی مسیح بود به این ترتیب افرادی که در بالا نامشان برده شد از ابراهیم پیامبر تا داود پیامبر چهارده نفر و از داود پیامبر تا زمان تبعید یهودی‌ها به بابل چهارده نفر و از زمان تبعید تا زمان مسیح هم چهارده نفر بودند.

تولد عیسی مسیح

واقعه تولد عیسی مسیح به این شرح است مریم مادر عیسی که در عقد یوسف بود قبل از ازدواج با او به وسیله روح‌القدس آبستن شد یوسف که سخت پایبند اصول اخلاق بود بر آن شد که نامزدی خود را برهم زند اما در نظر داشت این کار را در خفا انجام دهد تا مبادا مریم بی‌آبرو شود.

فرار به مصر

پس از رفتن ستاره‌شناسان فرشته خداوند در خواب بر یوسف ظاهر شد و گفت: برخیز و کودک و مادرش را برداشته به مصر فرار کن و همان‌جا بمان تا تو را خبر دهم زیرا هیرودیس پادشاه می‌خواهد کودک را به قتل برساند.

یوسف همان شب مریم و کودک را برداشت و به سوی مصر رفت و تا زمان مرگ هیرودیس در آنجا ماند یکی از انبیا قرن‌ها پیش درباره این موضوع پیشگویی کرد و گفته بود: پسر خود را از مصر فرا خواندم.

اما وقتی هیرودیس متوجه شد که ستاره‌شناسان از دستور او سرپیچی کردند بسیار خشمگین شد و سربازانی به بیت‌لحم فرستاد تا تمام کودکان دوساله و کمتر را که در آن شهر و در تمام حومه آن بودند قتل‌عام کنند زیرا طبق گفته ستاره‌شناسان ستاره دو سال پیش از آن ظاهر شده بود این رفتار بی‌رحمانه هیرودیس را که قبلاً ارمیا نبی چنین پیشگویی کرده بود.

ظهور یحیای پیامبر

اما وقتی یحیی دید که عده زیادی از روحانیون متظاهر و رهبران قوم نزد او می‌آیند تا تعمید گیرند به ایشان گفت ای افعی زادگان چه کسی به شما گفت که می‌توانید از غضب آینده خدا بگریزید پیش از تیشه داوری خدا بر ریشه درختان گذاشته است هر درختی که ثمر نیاورد بریده و در آتش افکنده خواهد شد من آنان را که از گناهانشان توبه می‌کنند با آب غسل تعمید می‌دهم اما شخص دیگری خواهد آمد که مقامش خیلی برتر از من است آن‌قدر که من لیاقت ندارم کفش‌هایش را پیش پایش بگذارم او شما را با روح‌القدس و آتش الهی تعمید خواهد کرد.

موعظه سر کوه، راز خوشبختی

هرگاه به خاطر من شما را ناسزا گفته آزار رسانند و به شما تهمت زنند شاد باشید بلی خوشی و شادی نمایید زیرا در آسمان پاداشی بزرگ در انتظار شماست بدانید که پیامبران گذشته نیز چنین کردند.

احکام تورات

گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات موسی و نوشته‌های سایر انبیا را منسوخ کنم من آمده‌ام تا آن‌ها را تکمیل نمایم و به انجام رسانم به راستی به شما می‌گویم که از میان احکام تورات هر آنچه که باید عملی شود یقیناً همه یک به یک عملی خواهند شد پس اگر کسی از کوچک‌ترین حکم آن سرپیچی کند و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنین کنند او در ملکوت آسمان از همه کوچک‌تر خواهد بود گفته شده است که هرکس مرتکب قتل شود محکوم به مرگ می‌باشد اما من می‌گویم: که حتی اگر نسبت به برادر خود خشمگین شوی و بر او فریاد بزنی باید تو را محاکمه کرد و اگر برادر خود را ابله خطاب کنی باید تو را به دادگاه برد و اگر به دوستت ناسزا گویی سزایت آتش جهنم است.

پس اگر نذری داری و می‌خواهی گوسفندی در خانه خدا قربانی کنی و همان لحظه به یادت آید که دوستت از تو رنجیده است گوسفند را همان‌جا نزد قربانگاه رها و کن و اول برو و از دوستت عذرخواهی نما و با او آشتی کن آنگاه بیا و نذرت را به خدا تقدیم کن هرگاه کسی از تو شکایت کند و تو را به دادگاه ببرد کوشش کن پیش از آنکه به دادگاه برسید و قاضی تو را به زندان بیندازد با شاکی صلح کنی وگرنه در زندان خواهی ماند و تا دینار آخر را نپرداخته باشی بیرون نخواهی آمد.

گفته شده است که زنا مکن ولی من می‌گویم که اگر حتی با نظر شهوت‌آلود به زنی نگاه کنی همان لحظه در دل خود با او زنا کرده‌ای پس اگر چشمی که برایت این‌قدر عزیز است باعث می‌شود گناه کنی آن را از حدقه در آور و به دور افکن بهتر است بدنت ناقص باشد تا اینکه تمام وجودت به جهنم بیفتد و اگر دست راستت باعث می‌شود گناه کنی آن را ببر و دور بینداز بهتر است یک دست داشته باشی تا اینکه با دو دست به جهنم بروی.

گفته شده است اگر کسی می‌خواهد از دست زنش خلاص شود کافی است طلاق‌نامه‌ای بنویسد و به او بدهد اما من می‌گویم هر که زن خود را بدون اینکه خیانتی از او دیده باشد طلاق دهد و آن زن دوباره شوهر کند آن مرد مقصر است زیرا باعث شده زنش زنا کند و مردی نیز که با این زن نیز ازدواج کرده زناکار است و گفته شده که اگر کسی چشم دیگری را کور کند باید چشم او را کور کرد و اگر دندان کسی را بشکند باید دندانش را شکست اما من می‌گویم اگر کسی به تو زور گوید با او مقاومت نکن حتی اگر به گونه راست تو سیلی زند گونه دیگرت را نیز پیش ببر تا به آن نیز سیلی بزنند.

ثروت و خوراک و پوشاک

نمی‌توانی به دو ارباب خدمت کنی باید فقط یکی از آن‌ها را دوست داشته باشی و فقط به یکی وفادار بمانی همچنین نمی‌توانی هم بنده خدا باشی هم بنده پول پس غصه فردا را نخورید چون خدا در فکر فردای شما نیز می‌باشد مشکلات هر روز برای همان روز کافی است لازم نیست مشکلات روز بعد را نیز به آن بیفزایید.

ایراد نگیرید

مرواریدهای خود را نزد خوک‌ها نگذارید چون قادر به تشخیص ارزش آن‌ها نمی‌باشند آن‌ها مرواریدها را لگدمال می‌کنند و برگشته به شما حمله‌ور خواهند شد به همین ترتیب چیزهای مقدس را در اختیار انسان‌های بدکار نگذارید.

راه رسیدن به خدا

فقط با عبور از در تنگ می‌توان به حضور خدا رسید جاده‌ای که به طرف جهنم می‌رود خیلی پهن است و دروازه‌اش نیز بسیار بزرگ و همه‌کسانی که بر آن راه می‌روند به راحتی می‌توانند داخل شوند اما دری که به زندگی جاودان باز می‌شود کوچک است و راهش نیز باریک و تنها عده کمی می‌توانند به آن راه یابند

از پیامبران دروغین بر حذر باشید که در لباس میش نزد شما می‌آیند ولی در باطن گرگ‌های درنده می‌باشند همان‌طور که درخت را از میوه‌اش می‌شناسند ایشان را نیز می‌توان از اعمالشان شناخت شما یقیناً فرق درخت انگور و خار بیابان و فرق انجیر و بوته خار را می‌دانید درخت سالم میوه خوب می‌دهد و درخت فاسد میوه بد درخت سالم نمی‌تواند میوه بد بدهد و درخت فاسد نیز میوه خوب نمی‌دهد درخت‌هایی که میوه بد می‌دهند بریده و در آتش انداخته می‌شوند بلی این‌گونه می‌توانید پیامبران دروغین را از اعمالشان بشناسید.

شفای خدمتکار افسر رومی

وقتی عیسی به شهر کفرناحوم رسید یک افسر رومی نزد او آمد و از او خواهش کرد که خدمتکار افلیج او را که در خانه افتاده و از درد به خود می‌پیچد شفا دهد عیسی به او گفت: بسیار خب می‌آیم و او را شفا می‌دهم اما افسر در جواب عرض کرد سرور من، من این‌قدر لیاقت ندارم که شما به خانه من بیایید اگر از همین‌جا دستور بفرمایید خدمتکارم خوب خواهد شد اگر به خدمتکارم بگویم فلان کار را بکن می کند می‌دانم اگر شما هم دستور بفرمایید این مرض از بدن خدمتکارم بیرون خواهد رفت.

عیسی از سخنان او حیرت کرد سپس رو به جمعیت کرد و گفت: در تمام سرزمین اسرائیل نیز چنین ایمانی در کس ندیدم این را به شما بگویم که عده زیادی از قوم‌های غیر یهود مانند این افسر رومی از سراسر دنیا آمده در درگاه خداوند با ابراهیم و اسحاق و یعقوب هم‌نشین خواهند شد و بسیاری از یهودیان که می‌بایست به درگاه خداوند راه بیابند بیرون انداخته خواهند شد در جایی که تاریکی گریه و عذاب حکم‌فرماست.

شفای دیوانه

وقتی به سرزمین جدری‌ها که در طرف دیگر دریاچه بود رسیدند دو دیوانه زنجیری به ایشان برخوردند این دو دیوانه در قبرستان زندگی می‌کردند و آن‌قدر خطرناک بودند که کسی جرأت نداشت از آن منطقه عبور کند تا چشمشان به عیسی افتاد شروع کردند به فریاد کشیدن که ای فرزند خدا با ما چه کار داری آیا آمده‌ای که قبل از وقت ما را عذاب دهی از قضا در آن حوالی گله خوکی می‌چریدند پس ارواح ناپاک از عیسی خواهش کرده گفتند اگر می‌خواهی ما را بیرون کنی ما را به درون جسم این خوک‌ها بفرست عیسی به آن‌ها گفت بسیار خب بروید ارواح ناپاک از وجود آن دونفر بیرون آمدند و داخل خوک‌ها شدند ناگاه تمام گله دیوانه‌وار به طرف پرتگاه دویدند و خود را به دریاچه انداختند و خفه شدند.

دوازده شاگرد عیسی

آنگاه عیسی دوازده شگرد خود را نزد خود فراخواند و به ایشان قدرت داد تا ارواح ناپاک را بیرون کنند و هر نوع بیماری و مرض را شفا دهند این است نام‌های آن دوازده شاگرد شمعون معروف به پطروس اندریاس برادر پطروس یعقوب پسر زبدی یوحنا برادر یعقوب فیلیپ برتولما متی باج‌گیر معروف یعقوب پسر حلفی تدی شمعون عضو حزب فداییان و یهودا اسخریوطی کسی که در آخر به عیسی خیانت کرد عیسی ایشان را به مأموریت فرستاد چنین گفت: نزد غیر یهودیان و سامریان نروید بلکه فقط نزد قوم اسرائیل که گوسفندان گم‌شده خدا هستند بروید و به ایشان خبر دهید که خداوند ملکوت را برقرار می‌سازد پول با خود برندارید حتی کوله‌بار و کفش و لباس اضافی و چوب‌دستی نیز با خود نبرید زیرا مردمی که به کمکشان می‌شتابید خوراک و پوشاک شما را فراهم خواهند ساخت وقتی وارد شهر یا دهی می‌شوید سراغ آدم خداشناس را بگیرید و تا روزی که آنجا هستید در خانه او بمانید اگر اهل خانه‌ای یا شهری شما را راه ندادند گرد و خاک آنجا را نیز به هنگام بازگشت از پاهایتان بتکانید مطمئن باشید که در روز قیامت وضع مردم فاسد سدوم و عموره خیلی بهتر از وضع آنان خواهد بود من شما را همچون گوسفندان در میان گرگان می‌فرستم پس مثل مار هوشیار باشید مثل کبوتر بی‌آزار ولی مواظب باشید زیرا مردم شما را گرفته به محاکمه خواهند کشید و حتی در عبادتگاه‌ها شما را شلاق خواهند زد بلی شما را به خاطر من پیش فرماندهان و پادشاهان خواهند برد تا از شما بازجویی کنند و این برای شما فرصتی خواهد بود تا درباره من با آنان سخن گویید و ایشان را آگاه سازید وقتی شما را می‌گیرند نگران نباشید که موقع بازجویی چه بگویید چون کلمات مناسب به موقع به شما عطا خواهند شد زیرا این شما نیستید که سخن می‌گویید بلکه روح پدر آسمانی شماست که به وسیله شما سخن خواهد گفت.

برادر، برادر خود را و پدر فرزندش را تسلیم مرگ خواهد کرد فرزندان بر ضد والدین برخاسته ایشان را خواهند کشت همه به خاطر من از شما متنفر خواهند گشت ولی از میان شما کسانی نجات خواهند یافت که تا به آخر زحمات را تحمل کنند هرگاه شما را در شهری اذیت کنند به شهر دیگر فرار کنید قبل از اینکه بتوانید به تمام شهرهای اسرائیل بروید من خواهم آمد شاگرد از استاد خود بزرگ‌تر نیست شاگرد در سرنوشت استاد خود شریک است و نوکر نیز در سرنوشت اربابش اگر مرا که سرپرست خانه هستم شیطان بگویید چه قدر بیشتر شما را شیطان خطاب خواهند کرد ولی از آنان که شما را تهدید می‌کنند نترسید زیرا وقت آن خواهد رسید که هر حقیقتی آشکار شود توطئه‌های مخفی آنان نیز برای همه آشکار خواهد شد.

نترسید از کسانی که می‌توانند فقط بدن شما را بکشند ولی نمی‌توانند به روحتان صدمه‌ای بزنند از خدا بترسید که قادر است هم بدن و هم روح شما را در جهنم هلاک کند قیمت دو گنجشک چقدر است خیلی ناچیز ولی حتی یک گنجشک نیز بدون اطلاع پدر آسمانی شما بر زمین نمی‌افتد تمام موهای سر شما نیز حساب شده است پس نگران نباشید در نظر خدا شما خیلی بیشتر از گنجشک‌های دنیا ارزش دارید.

سزای بی‌ایمانی

آنگاه عیسی شروع کرد به توبیخ مردم شهرهایی که بیشتر مجازاتش را در آنجا انجام داده بود ولی ایشان به‌سوی خدا باز گشت نکرده بودند او فرمود:

وای بر تو ای خورزین وای بر تو ای بیت‌صیدا اگر معجزه‌هایی که من در کوچه و بازار شما انجام دادم در صور و صیدون فاسد انجام می‌دادم اهالی آنجا مدت‌ها قبل از رونی خجالت و پشیمانی پلاس‌پوش و خاکسترنشین می‌شدند و توبه می‌کردند مطمئن باشید عاقبت صور و صیدون در روز قیامت خیلی بهتر از شما خواهد بود ای کفرناحوم که سر به آسمان کشیده‌ای عاقبت به جهنم سرنگون خواهی شد چون اگر معجزاتی که من در تو کردم در سدوم می‌کردم آن شهر تا به حال باقی‌مانده بود.

تهمت ناروا به عیسی

اگر کسی حتی به من کفر بگوید و یا گناه دیگری مرتکب شود امکان بخشایش او وجود دارد اما بی‌حرمتی به روح‌القدس هیچ‌گاه بخشیده نخواهد شد نه در این دنیا و نه در آن دنیا.

درخت را باید از میوه‌اش شناخت درخت خوب میوه خوب می‌دهد و درخت بد میوه بد ای مارها شما که باطنتان این‌قدر بد است چگونه می‌توانید سخنان نیکو و درست بر زبان بیاورید زیرا سخنان انسان نشان‌دهنده باطن اوست.

ملکوت خدا رشد می‌کند و وسیع می‌شود

همان‌طور که در این حکایت علف‌های هرز را دسته کردند و سوزاندند در آخر زمان نیز همین‌طور خواهد شد من فرشتگان خود را خواهم فرستاد تا هرچیزی را که باعث لغزش می‌شود و هر انسان بدکاری را از ملکوت خداوند جدا کنند و آن‌ها را در کوره آتش بریزند و بسوزانند جایی که گریه و فشار دندان بر دندان است در آن زمان انسان‌های نیک در ملکوت پدرم خدا همچون خورشید خواهند درخشید اگر گوش شنوا دارید خوب گوش دهید.

باز می‌توان ملکوت خدا را این‌چنین توصیف کرد ماهیگیران تور ماهیگیری را داخل آب می‌اندازند و انواع مختلف ماهی در تورشان جمع می‌شود سپس آن‌ها را به ساحل می‌کشانند و ماهی‌های خوب را از بد جدا می‌کنند در آخر دنیا نیز همین‌طور خواهد شد انسان‌های بد را داخل آتش خواهند افکند که در آنجا گریه خواهد بود و فشار دندان‌ها برهم درک می‌کنید چه می‌گویم شاگردانش جواب دادند: بلی

احکام خدا یا آداب و رسوم انسان

در این هنگام عده‌ای از فریسیان و علمای دین از اورشلیم آمدند تا عیسی را با طرح سؤالات خود به دام بیندازند ایشان سؤالی طرح کرده پرسیدند چرا شاگرد شما آداب و رسومی را که از اجداد ما به ما رسیده است نادیده می‌گیرند و پیش از خوردن غذا دست‌هایشان را آب نمی‌کشند؟

عیسی جواب داد: چرا خود شما برای اینکه آداب و رسوم گذشته خود را حفظ کنید احکام خدا را زیر پا می‌گذارید مثلاً یکی از احکام خدا این است که پدر و مادر خود را احترام کنید و هرکه پدر و مادر خود را ناسزا گوید کشته شود اما شما به مردم می‌گویید حتی اگر پدر و مادرتان محتاج باشند مبلغی را که باید خرج ایشان کنید می‌توانید وقف خانه خدا نمایید پس شما با این قانونی که وضع کرده‌اید دستور خدا را که عبارت از احترام به پدر و مادر است زیر پا می‌گذارید ای ریاکاران اشعیای نبی خوب در حق شما پیشگویی کرد که این مردم با زبان خود به من احترام می‌گذارند اما دلشان از من دور است عبادت آنان باطل است زیرا رسوم بشری را به جای احکام الهی به مردم تعلیم می‌دهند.

ایمان زن کنعانی به عیسی

عیسی از آنجا به سوی صور و صیدون به راه افتاد در آنجا یک زن کنعانی نزد او آمد و التماس‌کنان گفت: ای سرور من ای پسر داود پادشاه به من رحم کنید دختر من سخت گرفتار روحی پلید شده است روح حتی یک لحظه هم او را راحت نمی‌گذارد.

عیسی هیچ جوابی به او نداد تا اینکه شاگردان از او خواهش کرده گفتند: جوابی به او بدهید تا از ما دست کشیده برود چون با ناله‌هایش سر ما را به در آورده است.

عیسی فرمود: خدا مرا فرستاده تا یهودیان را کمک کنم نه غیر یهودیان را زیرا یهودیان گوسفندان گمشده خدا هستند.

آنگاه زن جلو آمده پیش پای عیسی به خاک افتاد و التماس کرد عیسی فرمود: درست نیست که نان را از دست فرزندانم بگیرم و جلوی سگ‌ها بیندازم.

زن جواب داد: بله حق با شماست ولی سگ‌ها هم از تکه‌های نانی که از سفره صاحبشان می‌ریزد می‌خورند.

عیسی به او فرمود: ای زن ایمان تو عظیم است برو که آرزویت برآورده شده همان لحظه دختر او شفا یافت.

پرداخت مالیات خانه خدا

وقتی به کفرناحوم رسیدند مأموران وصول مالیات خانه خدا پیش پطروس آمده از او پرسیدند آیا استادتان مالیات نمی‌دهد پطروس جواب داد البته که می‌دهد سپس وارد خانه شد تا موضوع را به عیسی بگوید ولی پیش از آنکه سخنی بگوید عیسی از او پرسید پطروس چه فکر می‌کنی آیا پادشاهان جهان از اتباع خود باج و خراج می‌گیرند یا از بیگانگانی که اسیر شده‌اند؟

پطروس جواب داد: از بیگانگان

عیسی فرمود: خب پس اتباع از پرداخت باج و خراج معاف‌اند ولی بهر حال برای اینکه ایشان را نرجانیم به ساحل برو و قلاب به آب بینداز و اولین ماهی که گرفتی دهانش را باز کن سکه‌ای در آن پیدا می‌کنی که برای مالیات ما دو نفر کافی است آن را به ایشان بده.

عیسی درباره طلاق چه می‌گوید

آنگاه بعضی از فریسیان پیش آمدند تا با بحث و گفتگو او را غافل‌گیر کنند پس به عیسی گفتند: آیا شما اجازه می‌دهید مرد زن خود را طلاق دهد؟

عیسی جواب داد: مگر شما کتاب آسمانی را نمی‌خوانید در کتاب آسمانی نوشته شده است که در آغاز خلقت پروردگار مرد و زن را آفرید و دستور داد مرد از پدر و مادر خود جدا شود و برای همیشه به زن خود بپیوندد و با او یکی شود به طوری که آن دونفر دیگر دو تن نیستند بلکه یک تن‌اند هیچ انسانی حق ندارد آن دو را که خدا به هم پیوسته است جدا کند.

پرسیدند: اگر چنین است چرا موسی فرمود که مرد می‌تواند زنش را طلاق دهد و کافی است که طلاق‌نامه‌ای بنویسد و به دست زنش بدهد و از او جدا شود؟

عیسی جواب داد: موسی چنین گفت زیرا می‌دانست که شما چقدر سنگدل و بی‌رحم هستید اما این چیزی نبود که خداوند در آغاز خلقت در نظر داشت و من به شما می‌گویم که هرکس زن خود را به هر علتی به غیر از علت زنا طلاق دهد و با زن دیگری ازدواج کند زناکار محسوب می‌شود.

شاگردان عیسی به او گفتند: با این حساب ازدواج نکردن بهتر است.

عیسی فرمود: هر انسانی نمی‌تواند از ازدواج بپرهیزد بلکه فقط کسانی می‌توانند مجرد بمانند که از خداوند کمک خاصی یافته باشند بعضی به علت نقص مادرزادی قادر به ازدواج نیستند بعضی را نیز مردم ناقص کرده‌اند و بعضی نیز به خاطر خدمت خدا ازدواج نمی‌کنند هر که قدرت اجرای این اصل ازدواج را دارد بگذارید آن را بپذیرد.

پطروس گفت: ما از همه چیز خود دست کشیده‌ایم تا به دنبال شما بیاییم حال چه سودی عاید ما می‌شود.

عیسی جواب داد: وقتی من در آن دنیای جدید بر تخت سلطنتم بنشینم شما شاگردان من نیز بر دوازده تخت نشسته دوازده قبیله اسرائیل را داوری خواهید نمود هر که به خاطر من از برادر خواهر پدر مادر و فرزند خانه و زمین چشم بپوشد صد مرتبه بیشتر خواهد یافت و زندگی جاوید را نیز به دست خواهد آورد ولی بسیاری که اکنون اول هستند آخر خواهند شد و کسانی که آخرند اول.

نیروی ایمان

صبح روز بعد وقتی عیسی به اورشلیم بازمی‌گشت گرسنه شد کنار جاده درخت انجیری دید جلو رفت تا میوه‌ای از آن بچیند اما جز برگ چیزی بر درخت نبود پس گفت: دیگر هرگز از تو میوه‌ای عمل نیاید بلافاصله درخت خشک شد.

منظورم این است که خداوند برکات ملکوت خود را از شما گرفته به قومی خواهد داد که از محصول آن سهم خداوند را به او بدهند اگر کسی روی این سنگ بیفتد تکه تکه خواهد شد و اگر این سنگ بر روی کسی بیفتد او را له خواهد کرد.

نباید نسبت به ملکوت خداوند بی‌اعتنا بود

عیسی برای تشریح ملکوت خدا حکایت دیگری بیان کرده گفت:

پادشاهی برای عروسی پسرش جشن مفصلی ترتیب داد که چندین روز به طول می‌انجامید و عده بسیاری را نیز به این جشن دعوت کرد وقتی همه چیز آماده شد افراد خود را به دنبال دعوت‌شدگان فرستاد تا به جشن بیایند اما هیچ‌کس نیامد پس مجبور شد بار دیگر افرادی را بفرستد و بگوید عجله کنید چون همه‌چیز آماده است ولی مهمانان با بی‌اعتنایی پوزخندی زدند و هریک به سر کار خود رفتند یکی به مزرعه‌اش و دیگری به محل کسب خود حتی بعضی فرستاده‌های پادشاه را زدند و چند نفرشان را نیز کشتند.

وقتی خبر به گوش پادشاه رسید به خشم آمد و فوری سپاهی فرستاد و همه آنان را کشت و شهرشان را به آتش کشید سپس به افراد خود گفت: جشن عروسی سر جای خود باقی است اما مهمان‌هایی که من دعوت کرده بودم لیاقت آن را نداشتند حال به کوچه بازار بروید و هرکه را دیدید به عروسی دعوت کنید.

پس ایشان رفته هرکه را یافتند خوب و بد با خود آوردند به طوری که تالار عروسی از مهمانان پر شد ولی وقتی که پادشاه وارد شد تا به مهمانان خوش‌آمد گوید متوجه شد یکی از آنان لباس مخصوص عروسی را که برایش آماده کرده بودند به تن ندارد.

پادشاه از او پرسید: رفیق چرا بدون لباس عروسی به اینجا آمده‌ای؟ ولی او جوابی نداشت که بدهد پس پادشاه دستور داد دست و پایش را ببندید و بیرون در تاریکی رهایش کنید تا در آنجا گریه و زاری کند پس ملاحظه می‌کنید که بسیاری دعوت می‌شوند اما برگزیدگان کم هستند.

تظاهر به دین‌داری

وای به حال شما ای علمای دینی و فیسیان چه قدر ریاکارید نماز خود را عمداً طولانی می‌کنید تا مردم شما را دین‌دار بدانند ولی دور از چشم دیگران اموال بیوه‌زنان بیچاره را می‌خورید ای دو روها وای به حال شما همه جا را زیر پا می‌گذارید تا کسی را پیدا کنید که مرید شما شود و وقتی موفق شدید او را دو برابر بدتر از خودتان سزاوار جهنم می‌سازید.

می‌گویید قسم به قربانگاه را می‌شود شکست ولی قسم به هدیه روی قربانگاه را حتماً باید وفا کرد ای احمق‌های کور کدام مهم‌تر است هدیه‌ای که روی قربانگاه است یا خود قربانگاه که هدیه را تقدیس می‌کند وقتی به قربانگاه قسم می‌خورید در واقع به خود قربانگاه و هرچه که در آن هست قسم می‌خورید و وقتی به خانه خدا قسم می‌خورید به خود خانه و خدایی که در آن هست قسم می‌خورید و وقتی به آسمان قسم می‌خورید در واقع به تخت خدا و خود خدا که بر تخت نشسته قسم می‌خورید وای به حالتان ای علمای دینی و فریسیان ریاکار شما برای پیامبران که اجدادتان کشتند با دست خود یادبود می‌سازید و قبر مقدسینی را که به دست آنان کشته شده‌اند تزئین می‌کنید و می‌گویید: اگر ما به جای اجدادمان بودیم پیامبران را نمی‌کشتیم اما با این گفته به زبان خود اعلام می‌دارید که فرزندان قاتلان انبیا هستید شما قدم به قدم از آن‌ها پیروی می‌کنید شما در اعمال بد از ایشان پیشی گرفته‌اید ای مارهای خوش خط و خال چگونه می‌توانید از مجازات جهنم جان سالم به در ببرید.

روز داوری

هنگامی که من مسیح موعود با شکوه و جلال خود همراه با تمام فرشتگانم بیایم آنگاه بر تخت باشکوه خود خواهم نشست سپس تمام قوم‌های روی زمین در مقابل من خواهند ایستاد و من ایشان را از هم جدا خواهم کرد همان‌طور که یک چوپان گوسفندها را از بزها جدا می‌کند گوسفندان را در طرف راستم قرار می‌دهم و بزها را در طرف چپم.

آنگاه به عنوان پادشاه به کسانی که در طرف راست من‌اند خواهم گفت: بیایید ای عزیزان پدرم تا شما را در برکات ملکوت خدا سهیم گردانم برکاتی که از آغاز آفرینش دنیا برای شما آماده شده سپس به کسانی که در طرف چپ من قرار دارند خواهم گفت ای لعنت‌شده‌ها از اینجا بروید و به آتش ابدی داخل شوید که برای شیطان و ارواح شیطانی آماده شده است و این اشخاص به کیفر ابدی می‌رسند ولی نیکوکاران به زندگی جاوید خواهند پیوست.

آخرین روزهای زندگی عیسی در این دنیا

اما عیسی به بیت‌عنیا به خانه شمعون که قبلاً جذامی بود رفت زنی با یک شیشه عطر گران‌بها وارد شد و عطر را بر سر عیسی ریخت.

شاگردانش وقتی این عمل را دیدند اوقاتشان تلخ شد و گفتند: حیف از این عطر که تلف شد او می‌توانست آن را به قیمت خوبی بفروشد و پولش را به فقرا بدهد عیسی که می‌دانست به یکدیگر چه می‌گویند فرمود: چرا از این زن ایراد می‌گیرید او خدمت بزرگی به من کرد فقرا همیشه دور و بر شما هستند ولی من همیشه با شما نمی‌باشم.

آخرین شام عیسی با شاگردان

عیسی به ایشان گفت:

یکی از شما به من خیانت می‌کند

همه از این سخن غمگین شدند و هریک با اندوه زیاد پرسیدند آیا من این کار را خواهم کرد؟

او جواب داد: آنکه دستش را اول با دست من به سوی بشقاب دراز کرد همان کسی است که به من خیانت می‌کند البته من باید مطابق پیشگویی‌ها رحلت کنم اما وای به حال کسی که مرا به مرگ تسلیم کند بهتر بود که اصلاً این شخص به دنیا نمی‌آمد.

آخرین دعا در باغ جتیسمانی

پس عیسی ایشان را به بیشه‌ای آورد که آن را جتیسمانی می‌نامیدند او به ایشان فرمود و گفت: بنشینید و منتظر باشید تا من کمی دورتر رفته و دعا کنم پطروس و دو پسر زبدی یعنی یعقوب و یوحنا را نیز با خود برد در حالی که غم و اندوه تمام وجود او را فرا گرفته بود رو به ایشان کرد و گفت: من از شدت حزن و غم در آستانه مرگ می‌باشم شما اینجا بمانید و با من بیدار باشید سپس کمی دورتر رفت و بر زمین افتاد و چنین دعا کرد:

پدر اگر ممکن است این جام عذاب و رنج را از مقابل من بردار اما نه به خواهش من بلکه به خواست تو

باز ایشان را گذاشت و رفت و چنین دعا کرد:

پدر اگر ممکن نیست این جام از مقابل من برداشته شود پس آن را می‌نوشم آنچه خواست تو است بشود.

دستگیری و محاکمه عیسی

سخن عیسی هنوز پایان نیافته بود که یهودا از راه رسید همراه او عده‌ای با شمشیر و چوب و چماق نیز آمده بودند آنان از سوی سران قوم یهود فرستاده شده بودند شاگرد خائن به همراهان خود گفته بود هر که را ببوسم همان است او را بگیرید سپس یهودا مستقیم سوی عیسی رفت و گفت: سلام استاد و صورت استاد خود را بوسید

عیسی گفت: دوست من کار خود را زودتر انجام بده پس آن عده جلو رفتند و عیسی را گرفتند

در این لحظه یکی از همراهان عیسی شمشیر خود را کشید و با یک ضربه گوش غلام کاهن اعظم را برید.

عیسی به او فرمود: شمشیرت را غلاف کن هرکه شمشیر بکشد با شمشیر نیز کشته خواهد شد مگر نمی‌دانی که من می‌توانم از پدرم درخواست کنم تا در یک لحظه هزاران فرشته به کمک ما بفرستد ولی اگر چنین کنم پیشگویی‌های کتاب آسمانی درباره من چگونه جامه عمل خواهد پوشید.

آنگاه رو به آن عده کرد و گفت: مگر من دزد فراری هستم که با چوب و چماق و شمشیر به سراغم آمده‌اید من هر روز در برابر چشمانتان در خانه خدا بودم و به مردم تعلیم می‌دادم چرا در آنجا مرا نگرفتید بلی می‌بایست این‌طور می‌شد چون تمام این وقایع را انبیا در کتاب آسمانی پیشگویی کرده‌اند در این گیر و دار تمام شاگردان او را تنها گذاشته فرار کردند.

پس آن گروه عیسی را به خانه قیافا کاهن اعظم بردند در آنجا تمام سران یهود جمع بودند در ضمن پطروس هم از دور به دنبال عیسی می‌آمد تا وارد حیاط خانه کاهن اعظم شد و کنار سربازان نشست تا ببیند بر سر عیسی چه می‌آید.

کاهنان اعظم در واقع تمام اعضای عالی شورای یهود جمع شده بودند و به دنبال شاهدانی می‌گشتند که به دروغ به عیسی تهمت بزنند تا بتوانند به مرگ محکومش کنند ولی با اینکه چند نفر را یافتند و آنان نیز شهادت دروغ دادند ولی سخنان ایشان با هم یکی نبود.

سرانجام دو نفر را پیدا کردند که می‌گفتند: این مرد می‌گفت من می‌توانم خانه خدا را خراب کنم و آن را ظرف سه روز باز بنا نمایم آنگاه کاهن اعظم برخاست و به عیسی گفت: خب چه می‌گویی آیا آنچه می‌گویند صحت دارد ولی عیسی خاموش ماند

کاهن اعظم به او گفت: به نام خدای زنده از تو می‌خواهم جواب دهی آیا تو مسیح فرزند خدا هستی یا نه؟

عیسی جواب داد: بلی هستم و یک روز مرا خواهید دید که در دست راست خدا نشسته‌ام و بر ابرهای آسمان به زمین بازمی‌گردم ناگهان کاهن اعظم لباس خود را درید و فریاد زد کفر گفت کفر گفت دیگر چه احتیاجی به شاهد داریم همه شنیدید چه گفت چه رأی می‌دهید؟

همه فریاد زدند: مرگ مرگ آنگاه به صورتش آب دهان انداخته او را زدند بعضی نیز به او سیلی زده با ریشخند می‌گفتند ای مسیح تو که پیامبری بگو ببینم چه کسی تو را زد

سپس به سربازان دستور داد عیسی را شلاق بزنند و بعد او را بر روی صلیب اعدام کنند.

سربازان ابتدا عیسی را به حیاط کاخ فرماندار بردند و تمام سربازان دیگر را به دور او جمع کردند سپس لباس او را در آوردند و شنل ارغوانی رنگ بر دوش او انداختند و تاجی از خارهای بلند درست کردند و بر سرش گذاشتند و یک چوب به نشانه عصای سلطنت به دست راست او دادند و پیش او تعظیم می‌کردند و با ریشخند می‌گفتند: درود بر پادشاه یهودا پس از آن به صورتش آب دهان انداختند و چوب را از دستش گرفته بر سرش زدند.

نزدیک به ساعت سه عیسی فریاد زد و گفت:

خدای من خدای من چرا مرا تنها گذاشته‌ای

بعضی که آنجا ایستاده بودند تصور کردند که الیاس نبی را صدا می‌زند یکی از آنان دوید و ظرفی از شراب ترشیده را بر سر یک چوب گذاشت و نزدیک دهان او برد تا بنوشد ولی دیگران گفتند کاری نداشته باش بگذار ببینیم آیا الیاس می‌آید و او را نجات می‌دهد یا نه آنگاه عیسی ناله دیگری بر آورد و جان سپرد.

سرگذشت عیسی مسیح نوشته لوقا

زن بدکاره آمرزیده می‌شود

روزی یکی از فریسیان عیسی را برای صرف غذا به خانه خود دعوت کرد عیسی نیز دعوت او را پذیرفت و به خانه او رفت وقتی سر سفره نشسته بودند زنی بدکاره که شنیده بود عیسی در آن خانه است شیشه‌ای نفیس پر از عطر گران‌بها برداشت و وارد شد و پشت سر عیسی نزد پاهایش نشست و شروع به گریستن کرد قطره‌های اشک او روی پاهای عیسی می‌چکید و او با موهای سر خود آن‌ها را پاک می‌کرد سپس پاهای عیسی را بوسید و روی آن‌ها عطر ریخت.

صاحب‌خانه یعنی آن فریسی وقتی این وضع را مشاهده نمود و آن زن را شناخت با خود گفت: اگر این مرد فرستاده خدا بود یقیناً متوجه می‌شد که این زن گناه‌کار و ناپاک است.

عیسی خیالات دل او را درک کرد و به او گفت: شمعون می‌خواهم چیزی به تو بگویم شمعون گفت: بفرما استاد

آنگاه عیسی داستانی برای او تعریف کرد و گفت:

شخصی از دو نفر طلب داشت از یکی پانصد سکه و از دیگری پنجاه سکه اما هیچ‌یک از آن دو مرد نمی‌توانست بدهی خود را بپردازد پس آن مرد مهربان هر دو را بخشید و از طلب خود چشم‌پوشی کرد حال به نظر تو کدام‌یک از آن دو او را بیشتر دوست خواهد داشت؟

شمعون جواب داد: به نظر من آنکه بیشتر بدهکار بود

عیسی فرمود: درست گفتی پس به آن زن اشاره کرد و به شمعون گفت: به این زن که اینجا زانو زده است خوب نگاه کن وقتی به خانه تو آمدم به خودت زحمت ندادی که برای شستشو پاهایم آب بیاوری اما او پاهای مرا با اشک چشمانش شست و با موهای سرش خشک کرد به رسم معمول صورتم را نبوسیدی اما از وقتی که داخل شدم این زن از بوسیدن پاهای من دست نکشیده است تو غفلت کردی که به رسم احترام روغن بر سرم بمالی اما او پاهای مرا عطرآگین کرده است از این رو است که او محبت بیشتری نشان می‌دهد چون گناهان بسیارش آمرزیده شده است اما هر که کمتر بخشیده شده باشد محبت کمتری نشان می‌دهد آنگاه رو به آن زن کرد و فرمود: گناهان تو بخشیده شد

اشخاصی که بر سر سفره حضور داشتند با خود می‌گفتند: این مرد کیست که گناهان مردم را نیز می‌آمرزد

عیسی به آن زن فرمود: ایمانت باعث نجاتت شده است برخیز و آسوده خاطر برو

مأموریت هفتاد شاگرد دیگر

وای بر شما ای اهالی خورزین و بیت‌صیدا چه سرنوشت وحشتناکی در انتظار شماست اگر معجزاتی را که برای شما کرده‌ام در شهرهای فاسدی چون صور و صیدون انجام می‌دادم اهالی آنجا مدت‌ها پیش به زانو در می‌آمدند و توبه می‌کردند.

ای مردم کفرناحوم به شما چه بگویم شما که می‌خواستید تا به آسمان سر برافرازید بدانید که به جهنم سرنگون خواهید شد

سپس به شاگردان خود گفت: هر که شما را بپذیرد مرا پذیرفته است و هر که شما را رد کند در واقع مرا رد کند خدایی که مرا فرستاده رد کرده است.

پس از مدتی هفتاد شاگرد برگشتند و با خوشحالی به عیسی خبر دادند گفتند: خداوندا حتی ارواح پلید نیز به نام تو از ما اطاعت می‌کنند

عیسی فرمود: بلی من شیطان را دیدم که همچون برق از آسمان به زیر افتاد من به شما قدرت بخشیدم تا بر همه نیروهای شیطان مسلط شوید از میان مارها و عقرب‌ها بگذرید و آن‌ها را پایمال کنید و هیچ‌چیز هرگز به شما آسیب نخواهد رسانید با وجود این فقط از این شادی نکنید که ارواح پلیدی از شما اطاعت می‌کنند بلکه از این شاد باشید که نام شما در آسمان ثبت شده است.

وارستگی از طمع و مادیات

در این هنگام شخصی از میان جمعیت گفت: استاد به برادرم بفرما که ارث پدرم را با من تقسیم کند

عیسی جواب داد ای مرد چه کسی تعیین کرده که من قاضی شما باشم تا درباره این موضوع حکم کنم اما اگر از من می‌شنوید از طمع فرار کنید چون زندگی حقیقی به ثروت بستگی ندارد.

سپس این داستان را برای ایشان بیان کرد:

شخصی ثروتمند از مزرعه خود محصول فراوانی به دست آورد به طوری که تمام انبارهایش پر شد اما هنوز مقدار زیادی غله باقی‌مانده بود پس از تفکر بسیار بالاخره با خود گفت: انبارهایم را خراب می‌کنم و انبارهای بزرگ‌تری می‌سازم تا جای کافی برای محصول خود داشته باشم آنگاه به خود خواهم گفت ای مرد خوشبخت تو برای چندین سال محصول فراوان ذخیره کرده‌ای حالا دیگر راحت باش و به عیش و نوش بپرداز و خوش بگذارن.

اما خدا به او فرمود: ای نادان همین امشب جانت را خواهم گرفت آنگاه اموالی که اندوخته‌ای به چه کسی خواهد رسید.

آماده باشید

همواره لباس بر تن برای خدمت آماده باشید مانند خدمتکارانی که منتظرند اربابشان از جشن عروسی بازگردد و حاضرند هر وقت که برسد و در بزند در را به رویش باز کنند خوشا به حال آن خدمتکارانی که وقتی اربابشان می‌آید بیدار باشند یقین بدانید که او خود لباس کار بر تن کرده آنان را بر سفره خواهد نشاند و به پذیرایی از ایشان خواهد پرداخت بلی خوش به حال آن غلامانی که وقتی اربابشان می‌آید بیدار باشند خواه نیمه شب باشد خواه سپیده‌دم اگر صاحب‌خانه می‌دانست که دزد چه وقت می‌آید بیدار می‌ماند و نمی‌گذاشت وارد خانه‌اش شود همان‌گونه نیز زمان دقیق بازگشت ارباب معلوم نیست بنابراین شما نیز آماده باشید که من مسیح موعود نیز هنگامی باز خواهم گشت که کمتر انتظارش را دارید.

پطروس از عیسی پرسید: خداوندا این را فقط برای ما می‌گویی یا برای همه؟

عیسی خداوند در جواب فرمود: این را به هر خدمتکار امین و آگاهی می‌گویم که اربابش او را بر سایر خدمتکاران می‌گمارد تا در غیاب خود خوراک و آذوقه را به موقع به ایشان بدهد خوشا به حال چنین خدمتکاری که وقتی اربابش بازمی‌گردد او را در حال انجام وظیفه ببیند یقین بدانید که او را ناظر تمام دارایی خود خواهد ساخت.

ولی ممکن است آن شخص با این تصور که اربابش به این زودی‌ها باز نخواهد گشت به اذیت و آزار زیردستان خود بپردازد و وقت خود را به عیش و نوش بگذراند آنگاه در روزی که انتظارش را ندارد ارباب بازخواهد گشت و او را از مقامش برکنار کرده به جایی خواهد فرستاد و او را از مقامش برکنار کرده به جایی خواهد فرستاد که افراد نادرست و خائن فرستاده می‌شوند.

آن خدمتکاری که وظیفه خود را بداند و به آن عمل نکند به سختی مجازات خواهد شد به هرکه مسئولیت بزرگ‌تری سپرده شود بازخواست بیشتری نیز از او به عمل خواهد آمد و نزد هر کس که امانت بیشتری گذاشته شود مطالبه بیشتری نیز خواهد شد آیا تصور می‌کنید که آمدن من باعث صلح آشتی با یکدیگر می‌شود نه بلکه به خاطر من مردم با یکدیگر اختلاف خواهند کرد و خانواده‌ها از هم پاشیده خواهد شد دو نفر به جانب من خواهند بود و سه نفر به ضد من نظر پدر خانواده درباره من با نظر پسرش متفاوت خواهد بود همچنین مادر با دختر و عروس با مادر شوهر اختلاف خواهند نمود.

توبه یا هلاکت

در همین وقت به عیسی اطلاع دادند که پیلاطوس عده‌ای از زائران جلیلی را در اورشلیم به هنگام تقدیم قربانی در خانه خدا قتل‌عام کرده است.

عیسی با شنیدن این خبر فرمود: آیا تصور می‌کنید این عده از سایر مردم جلیل گناهکارتر بوده‌اند که این‌گونه رنج دیدند و کشته شدند به هیچ وجه شما نیز اگر از راه‌های بد خویش بازنگردید و به سوی خدا بازگشت ننمایید مانند ایشان هلاک خواهید شد یا آن هجده نفری که برج سلوام بر روی ایشان فرو ریخت و کشته شدند آیا از همه ساکنان اورشلیم گناه‌کارتر بوده‌اند هرگز شما نیز اگر توبه نکنید همگی هلاک خواهید شد.

تا فرصت باقی است باید به‌سوی خدا بازگشت نمود

عیسی بر سر راه خود به اورشلیم به شهرها و دهات مختلف می‌رفت و کلام خدا را به مردم تعلیم می‌داد.

روزی شخصی از او پرسید خداوندا آیا تعداد نجات‌یافتگان کم خواهد بود؟

عیسی فرمود: در آسمان تنگ است پس بکوشید تا داخل شوید زیرا یقین بدانید که بسیاری تلاش خواهند کرد که داخل گردند اما نخواهند توانست زمانی خواهد رسید که صاحب‌خانه در را خواهد بست آنگاه شما بیرون ایستاده در خواهید زد و التماس خواهید کرد که خداوندا خداوندا در را به روی ما باز کن اما او جواب خواهد داد: که من شما را نمی‌شناسم.

شما خواهید گفت: ما با تو غذا خوردیم تو در کوچه‌های شهر ما را تعلیم دادی چگونه ما را نمی‌شناسی

اما او باز خواهد گفت: من به هیچ وجه شما را نمی‌شناسم ای بدکاران از اینجا دور شوید آنگاه وقتی ببینید ابراهیم و اسحاق و یعقوب و همه انبیا در ملکوت خدا هستند و خودتان بیرون مانده‌اید از شدت ناراحتی خواهید گریست و لب‌هایتان را خواهید گزید مردم از تمام نقاط جهان آمده در ضیافت ملکوت خدا شرکت خواهند کرد اما شما محروم خواهید ماند بلی یقین بدانید آنانی که اکنون خار و حقیر شمرده می‌شوند در آن زمان بسیار سرافراز خواهند گردید و آنانی که حالا مورد احترام و تمجید هستند در آن زمان حقیر و ناچیز به حساب خواهند آمد.

استفاده درست از مال دنیا

عیسی این حکایت را برای شاگردان خود تعریف کرد

مردی ثروتمند مباشری داشت که به حساب دارایی‌های او رسیدگی می‌کرد اما به او خبر رسید که مباشرش در اموال او خیانت می‌کند پس او را خواست و به او گفت: شنیده‌ام که اموال مرا حیف و میل می‌کنی پس هرچه زودتر حساب‌هایت را ببند چون از کار برکنار هستی.

مباشر با خود فکر کرد حالا چه کنم وقتی از این کار برکنار شدم نه قدرت بیل‌زدن دارم و نه غرورم اجازه می‌دهد گدایی کنم دانستم چه کنم باید کاری کنم که وقتی از اینجا می‌روم دوستان زیادی داشته باشم تا از من نگهداری کنند.

پس هریک از بدهکاران ارباب خود را فراخواند با ایشان گفتگو کرد از اولی پرسید چقدر به ارباب من بدهکار هستی؟

جواب داد: صد حلب روغن‌زیتون

مباشر گفت: درست است این هم قبضی است که امضا کرده‌ای پاره‌اش کن و در یک قبض دیگر بنویس پنجاه حلب

از دیگری پرسید تو چقدر بدهکاری

جواب داد: صد خروار گندم

به او گفت: قبض خود را بگیر و به جای آن بنویس هشتاد خروار

آن مرد ثروتمند زیرکی مباشر خود را تحسین کرد در واقع مردم بی‌ایمان در روابط خود با دیگران و در کارهای خود زیرک‌تر از مردم خداشناس هستند مال دنیا اغلب در راه‌های بد مصرف می‌شود اما من به شما توصیه می‌کنم که آن را در راه درست به کار گیرید تا دوستانی بیابید آنگاه وقتی مالتان از میان برود خانه‌ای در آخرت خواهید داشت.

اگر در کارهای کوچک درستکار باشید در کارهای بزرگ نیز درستکار خواهید بود و اگر در امور جزئی نادرست باشید در انجام وظایف بزرگ نیز نادرست خواهید بود پس اگر در مورد ثروت‌های دنیوی امین و درستکار نبودید چگونه در خصوص ثروت‌های حقیقی آسمانی به شما اعتماد خواهند کرد و اگر در مال دیگران خیانت کنید چه کسی مال خود شما را به دستتان خواهد سپرد هیچ خدمتکاری نمی‌تواند دو ارباب را خدمت کند زیرا یا از یکی نفرت دارد و به دیگری محبت می‌کند و یا به یکی دل می‌بندد و دیگری را پست می‌شمارد شما نیز نمی‌توانید هم بنده خدا باشید و هم بنده پول.

فریسی‌ها وقتی این سخنان را شنیدند او را مسخره کردند زیرا که پول‌دوست بودند عیسی به ایشان فرمود: شما در ظاهر لباس تقوا و دین‌داری به تن دارید اما خدا از باطن شریرتان با خبر است تظاهر شما باعث می‌شود که مردم به شما احترام بگذارند اما بدانید که آنچه در نظر انسان با ارزش است در نظر خدا مکروه و ناپسند است تا پیش از موعظه‌های یحیی تورات موسی و نوشته‌های انبیا راهنمای شما بودند اما حال که یحیی مژده فرارسیدن ملکوت خدا را داده است مردم می‌کوشند به زور وارد آن گردند اما این بدان معنی نیست که تورات حتی در یک جز اعتبار خود را از دست داده باشد بلکه همچون زمین و آسمان ثابت و پایدار است.

هر که زن خود را طلاق دهد و با دیگری ازدواج کند زنا می‌کند و هر مردی نیز که با زن طلاق‌داده شده‌ای ازدواج کند در واقع مرتکب زنا می‌شود.

گفتار عیسی درباره آخرالزمان

روزی بعضی از فریسیان از عیسی پرسیدند: ملکوت خدا کی آغاز خواهد شد؟

عیسی جواب داد: ملکوت خدا با علائم قابل دیدن آغاز نخواهد شد و نخواهد گفت که در این گوشه و یا آن گوشه زمین آغاز شده است زیرا ملکوت خدا در میان شماست.

کمی بعد در این باره به شاگردان خود فرمود: زمانی می‌رسد که آرزو خواهید کرد حتی برای یک روز هم که شده با شما باشم اما این آرزو برآورده نخواهد شد به شما خبر خواهد رسید که من بازگشته‌ام و در فلان‌جا هستم اما باور نکنید و به دنبال من نگردید زیرا وقتی بازگردم بدون شک شما از آن آگاه خواهید شد بازگشت من در واقع همچون برق خواهد بود که در تمام آسمان می‌درخشد اما پیش از آن لازم است که زحمات بسیاری متحمل گردم و توسط این قوم محکوم شوم.

در زمان بازگشت من مردم دنیا مانند زمان نوح نسبت به امور الهی بی‌توجه خواهند بود در زمان نوح مردم همه سرگرم خوردن و نوشیدن ازدواج و خوش‌گذرانی بودند و همه‌چیز به صورت عادی جریان داشت تا روزی که نوح وارد کشتی شد و طوفان آمد و همه را از بین برد در آن زمان دنیا مانند زمان لوط خواهد بود که مردم غرق کارهای روزانه‌شان بودند می‌خوردن و می‌نوشیدند خرید و فروش می‌کردند می‌کاشتند و می‌ساختند تا صبح روزی که لوط از شهر سدوم بیرون آمد و آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه‌چیز را از بین برد بلی به هنگام بازگشت من اوضاع دنیا به همین صورت خواهد بود.

در آن روز کسانی که از خانه بیرون رفته باشند برای بردن اموالشان به خانه بازنگردند و آنانی که در صحرا هستند به شهر بازنگردند به خاطر بیاورید بر سر زن لوط چه آمد هرکه بکوشد جان خود را

حفظ کند آن را از دست خواهد داد اما هر که از جان خود بگذرد آن را نجات خواهد داد در آن شب دو نفر که در یک تخت خوابیده باشند یکی به آسمان برده خواهد شد و دیگری خواهد ماند دو زن که سرگرم کارهای خانه باشند یکی به آسمان برده شده یکی به جای خواهد ماند دو نفر نیز که در مزرعه کار می‌کنند یکی برده شده و دیگری خواهد ماند.

شاگردان از عیسی پرسیدند خداوندا به کجا برده خواهند شد؟

عیسی فرمود: جایی که لاشه باشد لاشخورها به دور آن جمع خواهند گشت.

سرگذشت عیسی مسیح نوشته یوحنا

تولد تازه

همان‌گونه که موسی در بیابان مجسمه مار مفرغی را بر چوبی آویزان کرد تا مردم به آن نگاه کنند و از مرگ نجات یابند من نیز باید به صلیب آویخته شوم تا مردم به من ایمان آورده از گناه نجات پیدا کنند و زندگی جاوید بیابند زیرا خدا به قدری مردم جهان را دوست دارد که یگانه فرزند خود را فرستاده است تا هر که به او ایمان آورد هلاک نشود بلکه زندگی جاوید بیابد خدا فرزند خود را فرستاده است نه برای این که مردم را محکوم کند بلکه به وسیله او نجاتشان دهد.

کسانی که به او ایمان بیاورند هیچ نوع محکومیت و هلاکتی در انتظارشان نیست ولی کسانی که به او ایمان نیاورند از هم‌اکنون محکوم‌اند چون به یگانه فرزند خدا ایمان نیاورده‌اند.

محکومیت بی‌ایمانان به این دلیل است که نوز از آسمان به این جهان آمد ولی مردم تاریکی را بیشتر از نور دوست داشتند چون اعمال و رفتارشان بد است مردم از نور آسمانی نفرت دارند چون می‌خواهند در تاریکی گناه کنند پس به نور نزدیک نمی‌شوند مبادا کارهای گناه‌آلودشان دیده شود و به سزای اعمالشان برسند ولی درستکاران با شادی به سوی نور می‌آیند تا همه ببینند که آنچه می‌کنند پسندیده خدا است.

مقام و اختیارات عیسی

باز تکرار می‌کنم هرکه به پیغام من گوش دهد و به خدا که مرا فرستاده است ایمان بیاورد زندگی جاوید دارد و هرگز به خاطر گناهانش بازخواست نخواهد شد بلکه از همان لحظه از نابودی نجات پیدا کرده به زندگی جاوید خواهد پیوست.

محاکمه زن بدکاره

عیسی به کوه زیتون بازگشت ولی روز بعد صبح زود باز به خانه خدا رفت مردم نیز دور از او جمع شدند عیسی نشست و مشغول تعلیم ایشان شد در همین وقت سران قوم و فریسیان زنی را که در حال زنا گرفته بودند کشان‌کشان به مقابل جمعیت آوردند و به عیسی گفتند: استاد ما این زن را به هنگام عمل زنا گرفته‌ایم او مطابق قانون موسی باید کشته شود ولی نظر شما چیست؟

آنان می‌خواستند عیسی چیزی بگوید تا او را به دام بیندازند و محکوم کنند ولی عیسی سر را پایین انداخت و با انگشت روی زمین چیزهایی می‌نوشت سران قوم با اصرار می‌خواستند که او جواب دهد پس عیسی سر خود را بلند کرد و به ایشان فرمود: بسیار خب آن‌قدر بر او سنگ بیندازید تا بمیرد ولی سنگ اول را کسی به او بزند که خود تا به حال گناهی نکرده است.

یهودیان عیسی را به عنوان مسیح قبول نمی‌کنند

گوسفندان من صدای مرا می‌شناسند من نیز ایشان را می‌شناسم و آن‌ها به دنبال من می‌آیند من به ایشان زندگی جاوید می‌بخشم تا هرگز هلاک نشوند هیچ‌کس نیز نمی‌تواند ایشان را از دست من بگیرد چون پدرم ایشان را به من داده و او از همه قوی‌تر است هیچ انسانی نمی‌تواند ایشان را از پدرم بگیرد من و پدرم خدا یکی هستیم.

عیسی به شاگردان تعلیم می‌دهد که با او پیوند داشته باشند

من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است او هر شاخه‌ای را که میوه ندهد می‌برد و شاخه‌هایی را که میوه می‌دهند اصلاح می‌کند تا میوه بیشتری بدهند شما در من بمانید و در من زندگی کنید و بگذارید من هم در شما بمانم و زندگی کنم زیرا وقتی شاخه از درخت جدا شود دیگر نمی‌تواند میوه بدهد شما نیز جدا از من نمی‌توانید بارور و مفید باشید.

بله من تاک هستم شما نیز شاخه‌های من هر که در من زندگی کند و من نیز در او زندگی کنم میوه فراوان می‌دهد چون جدا از من هیچ کاری از شما ساخته نیست اگر کسی از من جدا شود مانند شاخه‌ای بی‌فایده آن را می‌برند دور می‌اندازند و خشکیده می‌شود سپس آن را با سایر شاخه‌ها جمع می‌کنند و در آتش می‌سوزانند ولی اگر در من بمانید و از کلام من اطاعت کنید هر چه بخواهید به شما خواهد داد شاگردان واقعی من محصول فراوان می‌دهند و این باعث بزرگی و جلال پدرم خدا می‌شود.

اعمال رسولان مسیح

انتخاب شاگرد جدید به جای یهودا

برادران لازم بود پیشگویی کتاب آسمانی درباره یهودا عملی شود که اشخاص شریر را راهنمایی کرد تا عیسی را بگیرند زیرا مدت‌ها قبل از آن داود نبی خیانت یهودا را با الهام روح‌القدس پیشگویی کرده بود یهودا یکی از ما بود او را نیز عیسی مسیح انتخاب کرده بود تا مانند ما رسول خدا باشد ولی با پولی که بابت خیانت خود گرفت مزرعه‌ای خرید در همان‌جا با سر سقوط کرد از میان دوپاره شد و تمام روده‌هایش بیرون ریخت خبر مرگ او فوری در شهر پیچید و مردم اسم آن زمین را مزرعه خون گذاشتند.

پطروس ادامه داد و گفت: داود پادشاه در این مورد در کتاب زبور این‌چنین پیش‌بینی کرده است: خانه‌اش خراب شود و کسی آنجا منزل نکند و باز می‌گوید مقام او را به دیگری بدهند.

موعظه پطروس رسول

خدا از زبان او فرمود: در روزهای آخر تمام مردم را از روح خود پرخواهم ساخت تا پسران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شما رؤیاها و پیران شما خواب‌ها ببینند بله تمام خدمتگزارانم را چه مرد و چه زن از روح خود پرخواهم کرد و ایشان نبوت نموده از جانب من سخن خواهند گفت در آسمان زمین علامات عجیب ظاهر خواهند نمود و بر زمین خون جاری خواهد شد از هوا آتش خواهد بارید و دود غلیظ برخواهد خواست پیش از آن روز بزرگ خداوند خورشید تاریک شده ماه به رنگ خون در خواهد آمد اما هر که خداوند را به کمک بطلبد خداوند او را نجات خواهد داد.

پیغامبران راجع به عیسی پیشگویی کرده بودند

برادران عزیز در ضمن این را نیز می‌دانم که رفتار شما و سران قوم شما از روی نادانی بود از طرف دیگر دست خدا هم در این کار بود زیرا مطابق پیشگویی‌های کتاب آسمانی مسیح بر روی صلیب برای آمرزش گناهان ما جان خود را فدا کرد چون همان‌طور که از قدیم پیشگویی شده است مسیح باید در آسمان بماند تا همه‌چیز از آلودگی گناه پاک شود برای نمونه موسی سال‌ها پیش فرمود: خداوند پیامبری مثل من از میان شما و برای شما می‌فرستد هر چه او می گوید با دقت گوش کنید هر که به او گوش ندهد هلاک خواهد شد.

انتخاب هفت نفر برای خدمت

اما روزی عده‌ای از گروه آزادشدگان یهودی برای بحث و مجادله نزد استیفان آمدند این عده از قیروان اسکندریه مصر قیلیقیه و آسیا آمده بودند ولی کس نمی‌توانست در برابر روح و حکمت استیفان مقاومت کند.

پس آنان به چند نفر رشوه دادند تا بگویند ما شنیدیم که استیفان به موسی و خدا کفر گفت.

این تهمت به شدت مردم را بر ضد استیفان تحریک کرد پس سران قوم یهود او را گرفتند و برای محاکمه به مجلس شورا بردند شاهدان دروغین بر ضد استیفان شهادت داده و گفتند که او مرتب به خانه خدا و تورات بد می گوید

آنان گفتند: ما با گوش خودمان شنیدیم که می گفت عیسی ناصری خانه خدا را خراب خواهد کرد و تمام احکام موسی را باطل خواهد ساخت در این لحظه تمام اعضای شورا دیدند که صورت استیفان همچون صورت فرشته می‌درخشید.

موعظه استیفان نخستین شهید مسیحیت

آنگاه کاهن اعظم از استیفان پرسید: آیا این تهمت‌ها صحت دارد؟

استیفان به تفسیر جواب داد: خدای پرشکوه و جلال در بین‌النهرین به جد ما ابراهیم ظاهر شد پیش از آنکه او به حران کوچ کند خدا به او فرمود: از وطن خود بیرون بیا و با والدین و بستگانت وداع کن و عازم سرزمینی شو که به تو نشان خواهم داد.

پس ابراهیم از سرزمین کلدانیان بیرون آمد و به حران رفت و تا مرگ پدر در آنجا ماند سپس خدا او را به اینجا آورد که امروز سرزمین اسرائیل است ولی در آن روز حتی یک وجب از آن زمین را به او نداد اما به او قول داد که سرانجام تمام این سرزمین از آن او و نسل او خواهد شد و این در حالی بود که ابراهیم هنوز صاحب فرزندی نشده بود از طرف دیگر خدا به ابراهیم فرمود فرزندان او از آنجا خارج شده در سرزمینی بیگانه چهارصد سال اسیر خواهند بود و خداوند فرمود من آن قومی را که ایشان را اسیر سازد مجازات خواهم نمود و بعد قوم خود را به این سرزمین بازخواهم آورد تا مرا عبادت کنند.

وقتی موسی چهل ساله شد روزی به فکرش رسید که دیداری از برادران اسرائیلی خود به عمل آورد در این بازدید یک مصری را دید که به یک اسرائیلی ظلم می‌کرد پس موسی آن مصری را کشت موسی تصور می‌کرد برادران اسرائیلی او فهمیده‌اند که خدا او را به کمک ایشان فرستاده است ولی ایشان به هیچ وجه به این موضوع پی نبرده بودند.

سران قوم یهود از این سخنان سخت برآشفتند و به شدت خشمگین شدند ولی استیفان پر از روح‌القدس به سوی آسمان خیره شد و جلال خدا را دید و همچون عیسی را که در دست راست خدا

ایستاده بود سپس به ایشان گفت: نگاه کنید من آسمان را می‌بینم که باز شده است و مسیح را می‌بینم که در دست راست خدا ایستاده است.

حضار که دیگر طاقت نداشتند گوش‌های خود را گرفتند و تا توانستند فریاد زدند و بر سر استیفان ریختند و کشان‌کشان او را از شهر بیرون بردند تا سنگسارش کنند کسانی که علیه استیفان رسماً شهادت دادند با آنانی که او را سنگسار کردند عبای خود را از تن در آوردند و پیش پای جوانی گذاشتند به نام پولس.

در همان حالی که استیفان را سنگسار می‌کردند او چنین دعا کرد: ای عیسی خداوند روح مرا بپذیر سپس روی زانوها افتاد و با صدای بلند گفت: خداوندا این گناه را به حساب آنان نگذار بعد از این دعا جان سپرد.

پولس دشمن مسیح پیرو مسیح می‌شود

به این ترتیب پولس پیروی مسیح شد و کلیسا آرامش یافت و قوت گرفت و در یهودیه و جلیل و سامره پیشرفت کرد ایمان‌داران نیز آموختند با ترس خدا و تسلی روح‌القدس زندگی کنند.

افسر رومی پیروی مسیح می‌شود

در شهر قیصریه یک افسر رومی به نام کرنیلیوس زندگی می‌کرد که فرمانده هنگی بود معروف به ایتالیایی او شخصی خداپرست و پرهیزکار بود و خانواده خداترس داشت.

روز بعد وقتی این افراد به شهر یافا نزدیک می‌شدند پطروس به پشت‌بام رفت تا دعا کند ظهر بود و پطروس گرسنه شد در همان حال که خوراک را آماده می‌کردند پطروس در عالم رؤیا دید که آسمان باز شد و سفره‌ای بزرگ به طرف زمین آمد که از چهارگوشه آویزان بود در آن سفره همه نوع حیوان حشره و پرنده وحشی وجود داشت که خوردن آن‌ها برای یهودیان حرام بود سپس صدایی به پطروس گفت: برخیز و هرکدام را که می‌خواهی ذبح کن و بخور.

پطروس گفت: خداوندا من هرگز چنین کاری نخواهم کرد در تمام عمرم هرگز گوشت حرام نخورده‌ام.

باز آن صدا گفت: دستور خدا را رد نکن اگر خدا چیزی را حلال می‌خواند تو آن را حرام نخوان.

آزادی پطروس از زندان هیرودیس

شب قبل از آن روزی که قرار بود پطروس کشته شود او را به دو زنجیر بسته بودند و او بین دو سرباز خوابیده بود سربازان دیگر نیز در کنار زندان کشیك می‌دادند ناگهان زندان روشن شد و فرشته خداوند آمد و کنار پطروس ایستاد سپس به پهلوی پطروس زد و او را بیدار کرد و گفت: زود باش بلند شو همان لحظه زنجیرها از مچ دست‌هایش باز شد و بر زمین فرو ریخت فرشته به او گفت: لباس‌ها و کفش‌هایت را بپوش پطروس پوشید آنگاه فرشته به او گفت: ردای خود را بر دوش بینداز و دنبال من بیا.

صبح در زندان غوغایی بپا شد همه پطروس را جستجو می‌کردند وقتی هیرودیس دنبال او فرستاد و فهمید که در زندان نیست هر شانزده نگهبان را بازداشت کرد و حکم اعدامشان را صادر نمود آنگاه یهودیه را ترك کرد و به قیصریه رفت و مدتی را آنجا ماند.

مرگ هیرودیس

وقتی هیرودیس در قیصریه بود هیئتی از نمایندگان شهرهای صور و صیدون به دیدن او آمدند هیرودیس نسبت به اهالی این دو شهر خصومتی عجیبی داشت پس ایشان حمایت بلاسدوس وزیر دربار او را بدست آوردند و از هیرودیس تقاضای صلح کردند زیرا اقتصاد شهرهای آنان به داد و ستد با سرزمین او بستگی داشت سرانجام اجازه شرفیابی گرفتند در آن روز هیرودیس لباس شاهانه‌ای پوشید و بر تخت سلطنت نشست و نطقی ایراد کرد وقتی صحبت او تمام شد مردم او را مثل خدا پرستش کردند و فریاد زنان می‌گفتند: این صدای خداست نه انسان

همان لحظه فرشته خداوند هیرودیس را چنان زد که بدنش پر از کرم شد و مرد زیرا بجای اینکه خدا را تمجید کنند اجازه داد تا مردم او را تمجید کنند.

پولس عیسی مسیح را به یهودیان می‌شناساند

خدای بنی‌اسرائیل اجداد ما را انتخاب کرد و با شکوه و جلال تمام از چنگ مصریان رهایی بخشید و سرافراز نمود در آن چهل سالی که در بیابان سرگردان بودند او از آنان مواظبت کرد سپس هفت قوم ساکن کنعان را از بین برد و سرزمین آنان را به اسرائیل به ارث داد پس از آن چهارصد و پنجاه سال یعنی تا زمان سموئیل نبی رهبران گوناگون این قوم را اداره کردند.

در قرنتس هم یهودیان آشوب برپا می‌کنند

پولس روزهای شنبه به عبادتگاه یهودیان می‌رفت و سعی می‌کرد هم یهودیان و هم یونانیان را متقاعد سازد پس از آنکه سیلاس و تیموتائوس از مقدونیه رسیدند پولس تمام وقت خود را صرف موعظه کرد و برای یهودیان دلیل می‌آورد که عیسی همان مسیح است اما وقتی یهودیان با او مخالفت کردند و به عیسی بد گفتند پولس گرد و خاک آن شهر را از لباس خود تکانید و گفت: خونتان به گردن خودتان من از خون شما بری هستم از این پس پیغام خدا را به غیر یهودیان خواهم رسانید.

اما وقتی گالیون حاکم ایالت اخائیه شد یهودیان با هم به ضد پولس برخاستند و او را برای محاکمه به حضور حاکم بردند آنان پولس را متهم ساخته و گفتند: او مردم را وادار می‌کند که خدا را با روش‌هایی که بر خلاف قوانین حکومت روم است بپرستند ولی درست در همان لحظه که پولس می‌خواست از خود دفاع کند گالیون رو به مدعیان کرد و گفت: ای یهودیان گوش کنید اگر جرم و جنایتی در کار بود به سخنان شما گوش می‌دادم اما چون جنگ و جدال شما بر سر کلمات اشخاص و قوانین مذهب خودتان است خود شما آن را حل و فصل کنید من نه به این چیزها علاقه دارم و نه در این مورد دخالت می‌کنم آنگاه ایشان را از دادگاه بیرون کرد.

خدمت پولس در افسس مرکز بت‌پرستی

یک‌بار گروهی از یهودیان دوره‌گرد که شهر به شهر می‌گشتند و برای اخراج ارواح ناپاک ورد می‌خواندند خواستند امتحان کنند که اگر اسم عیسی خداوند را بر زبان آورند می‌توانند ارواح پلید را از وجود دیوانگان بیرون کنند یا نه وردی هم که می‌خواندند این بود: ای روح ناپاک به همان عیسی که پولس درباره‌اش موعظه می‌کند تو را قسم می‌دهیم که از وجود این دیوانه بیرون بیایی هفت پسر اسکیوا که یک کاهن یهودی بود این کار را می‌کردند اما وقتی این را روی یک دیوانه امتحان کردند روح ناپاک جواب داد و گفت: من عیسی را می‌شناسم پولس را هم می‌شناسم ولی شما دیگر کیستید پس دیوانه به آن‌ها حمله کرد و آنان را چنان زد که برهنه و خون‌آلود از خانه فرار کردند این خبر در سراسر افسس پیچید و به گوش هر یهودی و یونانی رسید به طوری که همه ترسیدند و از آن پس به نام عیسی خداوند احترام می‌گذاشتند.

دستگیری پولس در اورشلیم

پس ما این‌طور پیشنهاد می‌کنیم چهار نفر در اینجا هستند که به رسم یهود نذر کردند تو با ایشان به خانه خدا برو و مراسم طهارت را با آنان انجام بده و در ضمن مخارج ایشان را نیز بپرداز تا بتوانند سرشان را بتراشند آنگاه به همه ثابت خواهد شد که تو رعایت سنت‌های یهود را برای مسیحیان یهودی نژاد جایز می‌دانی و خودت را نیز قانون‌های یهود را رعایت می‌کنی و با ما در این امور هم‌عقیده می‌باشی از یهودیان غیر یهودی هم ما هرگز نخواستیم پایبند آداب یهود باشند فقط به آنان نوشتیم گوشت حیواناتی را که برای بت‌ها قربانی می‌شوند و گوشت حیوانات مرده را نخورند و زنا هم نکنند.

پولس راضی شد و روز بعد با چهار نفر طهارت کرد و به خانه خدا رفت سپس اعلام کرد که یک هفته بعد برای هر یک از ایشان قربانی تقدیم خواهد کرد.

هنوز هفته به آخر نرسیده بود که چند نفر از یهودیان آسیا پولس را در خانه خدا دیدند و مردم را به ضد او شورانیدند آن‌ها وی را گرفته فریاد زدند: ای قوم بنی‌اسرائیل بشتابید و کمک کنید این همان است که به ضد قوم ما موعظه می‌کند و به همه می‌گوید که احکام یهود را زیر پا بگذارند حتی به خانه خدا هم بد می‌گوید و خارجی‌ها را نیز با خودش آورده تا اینجا را نجس سازد چون صبح همان روز پولس را با یک نفر غیر یهودی به نام تروفیموس اهل افسس در بازار دیده بودند و تصور کردند پولس او را به خانه خدا آورده است تمام مردم شهر به هیجان آمدند و آشوب بزرگی به راه افتاد پولس را به زور از خانه خدا بیرون کشیدند و فوری درها را پشت سر او بستند همین‌طور که او را به قصد کشت می‌زدند به فرمانده هنگ رومی خبر رسید که در شهر غوغاست او نیز بی‌درنگ با

سربازان و افسران خود به سوی جمعیت شتافت چشم مردم که به سربازها افتاد از زدن پولس دست کشیدند.

پولس در حضور اغریپاس پادشاه و فستوس فرماندار

چند روز بعد اغریپاس پادشاه با همسر خود بر نیکی برای دیدن فستوس به قیصریه آمد در آن چند روزی که آنجا بودند فستوس موضوع پولس را پیش کشید و به پادشاه گفت: یک زندانی داریم که فلیکس محاکمه او را به من واگذار کرد وقتی در اورشلیم بودم کاهنان اعظم و مشایخ یهود نزد من از او شکایت کردند و خواستند اعدامش کنم البته من فوری به ایشان گفتم که قانون روم کسی را بدون محاکمه محکوم نمی‌کند بلکه اول به او فرصت داده می‌شود که با شاکیان خود روبرو شود و از خود دفاع کند.

نامه پولس به مسیحیان روم

من پولس که غلام عیسی مسیح می‌باشم این نامه را برای شما می‌نویسم خدا مرا برگزیده و فرستاده است تا مژده انجیل او را به همگان برسانم انجیلی که وعده‌اش را از زمانی دور توسط انبیا خود در کتاب آسمانی داده بود.

خشم خدا نسبت به گناهان بشر

خدا خشم و غضب خود را بر تمام اشخاص گناهکار و نادرست که از حقیقت گریزان‌اند نازل می کند برای آنان حقیقت وجود خدا کاملاً روشن است زیرا خدا وجدان‌هایشان را از این حقیقت آگاه ساخته است انسان از ابتدا آسمان و زمین و چیزهایی را که خدا آفریده دیده است و با دیدن آن‌ها می‌تواند به وجود خدا و قدرت ابدی او پی ببرد پس وقتی در روز داوری در حضور خدا می‌ایستد برای بی‌ایمانی خود هیچ عذر و بهانه‌ای ندارد به همین دلیل است که خدا مردم را به حال خود رها کرده است به طوری که حتی زن‌ها به جای روابط جنسی طبیعی با زنان دیگر مرتکب اعمال قبیح می‌گردند و مردها نیز به جای اینکه با زنان خود روابط طبیعی زناشویی داشته باشند با مردهای دیگر مرتکب گناهان شرم‌آور می‌شوند بنابراین سزای کارهای کثیف خود را در روح و بدن خود می‌بینند.

سخن‌چینی و غیبت از زبانشان دور نمی‌شود ایشان دشمنان خدا هستند با غرور و گستاخی خودستایی می‌کنند همیشه به دنبال راه‌های تازه می‌گردند تا بیشتر گناه ورزند هرگز مطیع والدین خود نمی‌شوند بی‌احساس‌اند و بدقول و بی‌عاطفه و بی‌رحم با اینکه می‌دانند خدا برای چنین اعمالی مجازات مرگ تعیین کرده است نه فقط خودشان مرتکب آن‌ها می‌گردند بلکه دیگران را نیز به انجام این کارها تشویق می کنند.

فقط خدا می‌تواند بر گناه‌کاران داوری کند

می‌دانیم که خدا هر کسی را که مرتکب چنین اعمالی شود عادلانه و به سختی مجازات خواهد کرد ای آدمی آیا تصور می کنی که خدا دیگران را برای این گناهان مجازات خواهد کرد اما از گناهان تو چشم‌پوشی خواهد نمود اگر خدا تا به حال نسبت به تو صبر و تحمل نشان داده آیا این را نتیجه ضعف او می‌دانی اگر دل خودت را سخت کنی و توبه نکنی برای خود مجازات وحشتناکی فراهم می‌آوری زیرا به زودی روز خشن و غضب خدا فرا می‌رسد روزی که در آن خدا تمام مردم جهان را عادلانه محکوم خواهد کرد و به هرکس مطابق کارهایش پاداش یا کیفر خواهد داد او به آنانی که با صبر و تحمل اراده‌اش را به جا می‌آورند و خواستار جلال و بزرگی و زندگی جاویدند زندگی جاوید عطا خواهد کرد اما آنانی را که با حقیقت وجود خدا ضدیت می کنند به شدت مجازات خواهد کرد بلی ایشان مورد خشم و غضب خدا واقع خواهند شد رنج و عذاب گریبان‌گیر همه کسانی خواهد گردید که گناه می‌ورزیدند از یهودی گرفته تا غیر یهودی.

داوری منصفانه خدا

خدا شخص گناه‌کار را هر که باشد مجازات خواهد کرد به عنوان مثال مردم وحشی و از همه جا بی‌خبر که در جنگل‌ها زندگی می‌کنند اگر مرتکب گناه شوند خدا مجازاتشان خواهد کرد.

طرف دیگر اشخاصی که دارای دین و مذهب هستند اگر گناه کنند خدا مجازاتشان خواهد کرد چون ایشان با اینکه دارای کتاب آسمانی و احکام نوشته شده خدا هستند و آن‌ها را می‌خوانند اما از آن‌ها اطاعت نمی‌کنند ایشان راه راست را می‌دانند اما در آن قدم نمی‌زنند بنابراین باید گفت که دانستن احکام خدا سبب نجات نمی‌شود بلکه اجرای آن‌ها چه غیر یهودی کتاب آسمانی نیز در این باره می‌فرماید:

هیچ‌کس نیکوکار نیست

در تمام عالم یک بی‌گناه هم یافت نمی‌شود

هیچ‌کس به راه خدا نرفته و کسی واقعاً طالب او نبوده است

همه از او روی برگردانیده‌اند همه به راه خطا رفته‌اند

حتی یک نفر هم نیست که نیکوکار بوده باشد سخنان ایشان کثیف و متعفن است همچون بوی تعفنی که از قبر به مشام می‌رسد

زبانشان را برای فریب دادن به کار می‌برند

سخنانشان همچون نیش مار کشنده است

دهانشان پر از لعنت و تلخی است

پاهایشان برای خون ریختن شتابان است

از آرامش الهی نصیبی ندارند

احترام و ترس خدا جایی در قلبشان ندارد

بنابراین خدا یهودیان را خیلی شدیدتر داوری و مجازات خواهد کرد زیرا ایشان می‌بایست بجای اینکه مرتکب چنین گناهانی شوند دستورات و احکام خدا را به جا آورند به همین علت هیچ یک از آن‌ها نخواهند توانست برای بی‌ایمانی و گناهان خود عذر و بهانه‌ای بیاورند در حقیقت تمام مردم دنیا در برابر تخت داوری خدای قادر مطلق مقصر و محکوم‌اند.

ابراهیم و نجات او

حال ببینیم خدا جد ما ابراهیم را بر چه اساسی بی‌گناه به حساب آورد آیا به خاطر اعمال نیک و انجام تشریفات مذهبی بود یا به خاطر ایمانش اگر به خاطر اعمال نیکش بود پس جا داشت که به خود ببالد اما از دیدگاه خدا ابراهیم هیچ علتی برای بالیدن نداشت زیرا کتاب آسمانی می‌فرماید:

ابراهیم به خدا ایمان آورد به همین دلیل خدا از خطایای او چشم پوشید و او را بی‌گناه به شما آورد.

وعده‌های خدا به وسیله ایمان بدست می‌آید

ایمان به خدا نیز کار احمقانه‌ای است اما حقیقت امر این است که هرگاه بکوشیم نجات و سعادت الهی را از راه انجام احکام شریعت بدست آوریم همیشه نتیجه‌اش این می‌شود که مورد خشم و غضب خدا قرار گیریم زیرا هیچ‌گاه موفق نمی‌شویم آن احکام را کاملاً رعایت کنیم ما تنها زمانی می‌توانیم قانون‌شکنی نکنیم که اصلاً قانونی وجود نداشته باشد.

گناه حضرت آدم و بخشش عیسی مسیح

وقتی حضرت آدم گناه کرد گناه او تمام نسل بشر را آلوده ساخت و باعث شیوع مرگ در سراسر جهان شد در نتیجه همه چیز دچار فرسودگی و تباهی گشت چون انسان‌ها همه گناه کردند یقین داریم که گناه آدم تمام این مسائل را به وجود آورد زیرا اگر چه مردم از زمان آدم تا موسی گناه می‌کردند اما خدا در آن زمان ایشان را به سبب زیر پا گذاشتن احکام خود محکوم نمی‌کرد چون هنوز احکام و دستورات خود را به ایشان عطا نکرده بود با وجود این آن‌ها نیز همه مردند اما نه به همان علتی که حضرت آدم مرد زیرا ایشان مانند او از میوه درخت ممنوع نخورده بودند.

بردگان پاکی و صداقت

در آن روزها که برده گناه بودید در قید و بند نیکی و راستی نبودید اما فایده چنین زندگی چه بود خودتان اکنون از آن کارها شرمگین هستید زیرا نتیجه‌ای جز هلاکت ابدی نداشته‌اند.

سختی‌های زمان حاضر هیچ است

با وجود این سختی‌هایی که در زمان حاضر متحمل می‌شویم در مقابل جلال و شکوهی که در آینده خدا نصیبمان خواهد ساخت هیچ است تمام آفرینش نیز بی‌صبرانه منتظر روزی است که خدا فرزندان خود را پس از مرگ زنده کند زیرا جهان بر خلاف خواست خود به دستور خدا محکوم به فنا شد اما این امید هست که روزی جهان از قید فنا رها شود و در آزادی پرشکوهی که متعلق به فرزندان خداست شریک گردد چون می‌دانیم که حتی حیوانات و گیاهان نیز که گرفتار بیماری و مرگ‌اند همچون زنی که در حال زاییدن است درد می‌کشد و در انتظار این واقعه بزرگ روزشماری می‌کند.

محبت قابل اعتماد مسیح

چه اتفاقی ممکن است سبب شود که مسیح دیگر ما را محبت نکند زمانی که ناراحتی و مصیبتی پیش می‌آید و یا سختی و جفایی روی می‌دهد آیا علت آن این است که مسیح دیگر ما را دوست ندارد و یا زمانمی که در گرسنگی و تنگدستی هستیم و یا با خطر و مرگ روبرو می‌شویم آیا این‌ها نشان‌دهنده این است که خدا ما را ترک گفته است.

هرگز زیرا کتاب آسمانی می‌فرماید:

که ما باید آماده باشیم تا به خاطر خدا هر آن با مرگ روبرو شویم ما همچون گوسفندانی هستیم که برای سربریدن می‌برند.

رحمت خدا بر قوم اسرائیل

کتاب آسمانی ما نیز به همین موضوع اشاره می‌کند و می‌فرماید:

خدا ایشان را به خواب فرو برده است و چشم‌ها و گوش‌هایشان را طوری بسته است که وقتی راجع به مسیح با ایشان سخن می‌گوییم چیزی درک نمی‌کنند این وضع تا به امروز نیز ادامه دارد.

داود نبی نیز در این‌باره چنین گفته است:

همان بهتر که سفره رنگین و نعمت‌های دیگرشان آن‌ها را به اشتباه بیندازد تا تصور کنند که خدا از ایشان راضی است همان بهتر که این برکات برای آنان همچون دام و تله باشد و هلاکشان کند چون سزایشان همین است همان بهتر که چشمانشان تار شود تا نتوانند ببینند و پشته‌شان همواره زیر بار سنگین خم بماند.

نجات غیر یهودیان

درست است آن شاخه‌ها یعنی یهودیان به این دلیل قطع شدند که به خدا ایمان نداشتند شما نیز فقط به این دلیل به جای آن‌ها پیوند شدید که به خدا ایمان داشتید پس مغرور نشوید بلکه از خدا بترسید زیرا اگر خدا بر شاخه‌ای طبیعی درخت رحم نکرد بر شما نیز رحم نخواهد کرد.

رفتار ما در مقابل لطف خدا

ای ایمان‌داران عزیز در مقابل این لطف و رحمت خدا التماس می‌کنم که بدن‌های خود را مانند قربانی زنده و مقدس به او تقدیم کنید زیرا این است قربانی که مورد پسند اوست.

رفتار خوب مسیحی

در خدمت به خداوند تنبلی و سستی به خود راه ندهید بلکه با علاقه و شور و شوق او را خدمت کنید.

برادران عزیز هرگز از کسی انتقام نگیرید انتقام خود را به خداوند واگذار کنید چون در کتاب آسمانی نوشته شده:

که مجازات انسان‌ها از آن اوست

وظیفه مسیحیان نسبت به دولت

مطیع دولت و قوانین آن باشید زیرا آن را خدا برقرار کرده است در تمام نقاط جهان همه دولت‌ها را خدا بر سر قدرت آورده است پس هرکه از قوانین کشور سرپیچی کند در واقع از خدا نا اطاعتی کرده است البته باید مجازات شود آنانی که اعمالشان درست است از مأموران دولت هراسی ندارند اما افراد خطاکار و نادرست همیشه از آنان می‌ترسند پس اگر می‌خواهید در ترس و دلهره به سر نبرید قوانین را اطاعت کن و آسوده باش مأمور دولت از جانب خدا وظیفه دارد به تو کمک کند اما اگر کار خلافی انجام دهی از او بترس زیرا تو را مجازات خواهد کرد خدا او را برای همین منظور مقرر کرده است پس به دو دلیل باید مطیع قانون باشی اول مجازات نشوی و دوم اطاعت وظیفه توست.

وظیفه مسیحیان نسبت به یکدیگر

به هر حال نباید فراموش کنیم که ما صاحب اختیار خود نیستیم و نمی‌توانیم هر طور که می‌خواهیم زندگی کنیم و یا هر طور که می‌خواهیم بمیریم چه در زندگی و چه در مرگ ما از خداوند پیروی می‌کنیم و متعلق به او هستیم مسیح نیز به همین منظور مرد و زنده شد تا بتواند هم در طول زندگی و هم در زمان مرگمان خداوند و صاحب اختیار ما باشد.

سخن آخر

خدای صلح و آرامش به زودی شیطان را زیر پاهای شما خواهد سایید فیض و لطف خداوند ما عیسی مسیح با شما باد.

نامه اول پولس به مسیحیان قرنتس

مسیح حکمت و قدرت خدا

خدا فرموده است: تمام نقشه‌هایی را که انسان برای رسیدن به خدا طرح می‌کند هرقدر هم که حکیمانه جلوه کند باطل خواهد ساخت و فکر و نبوغ خردمندان را نابود خواهم کرد.

پس کجایند این خردمندان و علمای دین و فلاسفه که درباره مسائل عمیق دنیا به بحث می‌پردازند خدا ایشان را جاهل ساخته و نشان داده است که عقل و حکمت آنان پوچ و باطل است.

شما خانه خدا هستید

آیا هنوز پی نبرده‌اید که همه شما با هم خانه خدا هستید و روح خدا در میان شما یعنی در این خانه ساکن است اگر کسی خانه خدا را آلوده و خراب کند خدا او را از بین خواهد برد زیرا خانه خدا مقدس و پاک است و آن خانه شما هستید.

دیگر خود را فریب ندهید اگر طبق معیارهای این جهان خود را صاحب هوش و خرد فوق‌العاده‌ای می‌دانید بهتر است آن را کاملاً کنار بگذارید و یک نادان باشید که مبادا غرور بیجا شما را از حکمت واقعی خدا محروم کند زیرا حکمت این دنیا در نظر خدا حماقت محض است همان‌طور که در کتاب آسمانی آمده است خدا اجازه می‌دهد که زیرکی انسان برای خودش دامی شود و حکمت او باعث لغزش و سقوط خودش گردد همچنین آمده است که خداوند به خوبی آگاه است که هوش و حکمت انسان چقدر احمقانه و باطل می‌باشد.

اخراج عضو خطاکار از کلیسا

شنیده‌ام که در میان شما رسوایی بزرگی روی داده است و فسادی رخ داده که در میان مردم خدانشناس هم دیده نمی‌شود شنیده‌ام که یکی از اعضای کلیسای شما با زن پدر خود زندگی می‌کند آیا باز هم به روحانی بودن خود می‌بالید پس این خمیرمایه گناه یعنی این شخص فاسد را که چنین رسوایی به بار آورده است از میان خود بیرون کنید تا خمیری تازه و فطیر باشید که البته می‌دانم که همین‌طور هستید زیرا اکنون عید پسح فرا رسیده و مسیح که بره قربانی این عید می‌باشد قربانی شده است پس بیایید این عید را برگزار کنیم.

افراد خارج از کلیسا را خدا داوری و مجازت خواهد کرد بنابراین شما خودتان این مرد را داوری کنید و از کلیسا اخراج نمایید.

سؤال درباره ازدواج

درباره آنچه در نامه خود برای من نوشته بودید باید بگویم که خوب است مرد با زن تماس نداشته باشد اما به سبب وسوسه‌های جنسی که در اطراف ما وجود دارد بهتر است هر مرد برای خود زنی بگیرد و هر زن شوهری برای خود اختیار کند زن و مرد باید وظایف زناشویی خود را نسبت به یکدیگر انجام دهند دختری که ازدواج می‌کند دیگر اختیار کامل بدن خود را ندارد بلکه شوهرش نیز بر آن حقی دارد همچنین شوهر بر بدن خود اختیار کامل ندارد زیرا همسرش نیز بر آن حقی دارد بنابراین شما زوج‌ها از رابطه زناشویی با یکدیگر پرهیز نکنید مگر برای مدتی محدود

در اینجا برای آنانی که ازدواج کرده‌اند دیگر نه یک توصیه بلکه یک دستور دارم دستوری که از جانب من نیست بلکه خود خداوند آن را فرموده است و آن این است که زن نباید از شوهرش جدا شود اما اگر قبلاً از او جدا شده است بهتر است یا مجرد بماند یا نزد شوهرش بازگردد شوهر نیز نباید زن خود را طلاق دهد.

وضع زناشویی میان مسیحی و بی‌ایمان

وقتی خدا شخصی را دعوت می‌کند تا زندگی خود را به مسیح بسپارد لزومی ندارد که او شرایط و موقعیت سابق خود را تغییر دهد فرض کنید که شما برده کسی هستید لازم نیست از این موضوع ناراحت باشد البته اگر فرصتی برای آزادی پیش آمد از آن استفاده کنید اگر به هنگام دعوت خداوند برده باشید این را بدانید که مسیح شما را آزاد کرده است آزاد از قدرت گناه و اگر به هنگام دعوت خداوند برده نیستید بدانید که اکنون برده مسیح هستید مسیح شما را به قیمت جان خود خریده است و شما از آن او هستید پس اسیر اصول انسانی نشوید.

حقوق خدمتگزار خدا

من رسول و فرستاده خدا هستم و فقط در مقابل خدا مسئولم من کسی هستم که خداوندمان عیسی مسیح را با چشمانم دیده‌ام زندگی دگرگون شده شما نیز نتیجه خدمت من به او است حتی اگر دیگران مرا رسول ندانند شما باید بدانید چون شما به وسیله من به مسیح ایمان آوردید.

جواب من به آنانی که از من انتقاد می‌کنند این است آیا من مانند سایر رسولان این حق را ندارم که خورد و خوراک خود را از کلیسا تأمین کنم.

اگر زن داشتم و او نیز مسیحی بود آیا حق نداشتم او را در این سفرها به همراه بیاورم یعنی همان کاری که سایر رسولان و برادران خداوندمان عیسی و پطروس می‌کنند آیا فقط من و برنابا باید برای تأمین نیازهای خود کار کنیم ولی مخارج سایر رسولان را شما باید تأمین کنید کدام سرباز است که به هنگام خدمت نظام مخارج خود را شخصاً تأمین نماید یا کدام چوپان است که گله‌ای را چوپانی کند ولی حق نداشته باشد از شیر آن بنوشد شاید فکر کنید که این نکات را از نقطه نظر انسانی می‌گویم اما چنین نیست زیرا قانون خدا نیز همین را می‌گوید در تورات حکم شده که وقتی گاو خرمنت را می‌کوبد دهانش را نبند تا بتواند از خرمنت بخورد آیا تصور می‌کنید که خدا فقط به فکر گاوها بود آیا فکر نمی‌کنید که این دستور را برای ما نیز داده است.

ما در دل شما بذر نیکوی روحانی را کاشته‌ایم حال اگر تقاضای کمک مالی داشته باشیم آیا چیز بزرگی خواسته‌ایم شما نیازهای دیگران را که از نیاز روحانی شما را خدمت می‌کنند برآورده می‌سازید و همین‌طور نیز باید باشد پس آیا ما نباید نسبت به سایر آنان حق بیشتری داشته باشیم با این حال ما بی‌شک به یاد دارید که خدا به خدمتگزاران خانه‌اش اجازه داد که خوراک خود را از

هدایایی که مردم به خانه او می‌آورند تأمین نماید و خدمتگزاران قربانگاه نیز از قربانی‌های مردم سهمی ببرند.

سفره بت‌ها و شام خداوند

همه عضو یک بدن می‌باشیم یعنی بدن مسیح قوم یهود را در نظر بگیرید آیا آنانی که از گوشت قربانی می‌خورند به وسیله این عمل با یکدیگر متحد نمی‌شوند می‌خواهید چه کنید آیا می‌خواهید آتش خشم و غضب خداوند را به ضد خود شعله‌ور سازید دلیل که تصور می‌کند من در اشتباهم جواب سؤال شما این است کارهای شما حتی خوردن و نوشیدنتان همه باید برای جلال و بزرگی خدا باشد.

پوشیده بودن سر زنان به هنگام عبادت

اما می‌خواهم این موضوع را نیز یادآور شوم که هر زن باید از شوهر خود اطاعت کند و شوهر نیز از مسیح همان‌طور که مسیح هم از خدا اطاعت می‌کند به همین دلیل اگر در جلسه‌ای مردی با سر پوشیده دعا یا نبوت کند به مسیح بی‌احترامی کرده است زیرا این پوشش یا کلاه نشانه اطاعت از انسان‌هاست همچنین اگر زنی در جلسه‌ای با سر برهنه دعا یا نبوت کند به شوهرش بی‌احترامی کرده است اگر زن نمی‌خواهد سر خود را بپوشاند باید موی سرش را بتراشد و اگر از این عمل خجالت می‌کشد پس باید سر خود را بپوشاند اما مرد نباید به هنگام عبادت سر خود را بپوشاند و یا کلاهی بر سر داشته باشد مرد جلال و شکوه خداست و به شکل او آفریده شده زن نیز جلال و شکوه مرد می‌باشد نخستین مرد از زن به وجود نیامد بلکه اولین زن از مرد به وجود آمد در ضمن نخستین مرد که آدم بود برای حوا آفریده نشد بلکه حوا برای آدم آفریده شد پس زن باید سر خود را بپوشاند تا نشان دهد که مطیع شوهرش می‌باشد این واقعیتی است که حتی فرشتگان به آن توجه دارند و به سبب آن شادمان‌اند.

زنده شدن مسیح پایه مسیحیت است

واقعیت این است که مسیح پس از مرگ دوباره زنده شد او نخستین فرد از میان کسانی است که در روز قیامت زنده خواهند شد.

همان‌طور که به علت گناه آدم مرگ به این دنیا آمد در اثر کار نجات بخش مسیح نیز زندگی پس از مرگ نصیب ما شد همه ما می‌میریم زیرا از نسل گناهکار آدم هستیم چون هر جا گناه باشد مرگ نیز هست مرگ نیز وجود دارد اما همه کسانی که از آن مسیح می‌باشند پس از مرگ بار دیگر زنده خواهند شد اما هرکس به نوبت خود نخستین کس که زنده شد مسیح بود سپس به هنگام بازگشت او تمام آنانی که به او تعلق دارند زنده خواهند شد پس از آن آخرت فرا خواهد رسید در آن زمان مسیح تمام دشمنان خود را نابود خواهد ساخت و سلطنت را به خدای پدر واگذار خواهد کرد زیرا سلطنت مسیح تا زمانی خواهد بود که تمام دشمنان خود را نابود سازد آخرین دشمن او مرگ است که آن هم باشد مغلوب و نابود شود.

خاتمه نامه

این کلمات را به دست خودم می‌نویسم اگر کسی خداوند را دوست ندارد لعنت بر او باد ای خداوند مسیح بیا فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما باشد همه شما که از آن عیسی مسیح هستید محبت‌های قلبی مرا بپذیرید.

نامه دوم پولس به مسیحیان قرنتس

ما برای خدا عطر خوشبو هستیم

آنجا که مسیح در زندگی ما حضور دارد ما برای خدا عطری خوشبو هستیم عطری که بوی آن به مشام همه می‌رسد چه گناهکار و چه نجات یافته برای آنانی که در راه گناه قدم برمی‌دارند و به سوی هلاکت می‌روند ما بوی هراس‌انگیز محکومیت و مرگ هستیم اما برای آنانی که در طریق نجات گام برمی‌دارند عطری هستیم که به همه چیز طراوت و تازگی می‌بخشد اما چه کسی قابلیت و توانایی آن را دارد که به این صورت انجیل را موعظه کند.

با دلیری پیغام انجیل را موعظه می‌کنیم

پس چون می‌دانیم که این جلال نوین هیچ‌گاه از میان نخواهد رفت پیغام انجیل را با نهایت دلیری و اطمینان موعظه می‌کنیم نه همچون موسی که نقابی به صورت خود زد تا قوم اسرائیل محو شدن جلال را از صورتش ببیند.

پیغام ما روشن است و به مردم روشنایی می‌بخشد

اگر پیغام نجاتی که اعلام می کنیم مبهم است و درک آن دشوار می‌باشد فقط برای آنانی چنین است که به سوی هلاکت می‌روند شیطان که حاکم این دنیا پر از گناه است چشمان این اشخاص بی‌ایمان را بسته است تا نتوانند نور پرجلال انجیل را ببینند و معنی پیغام ما را درباره جلال مسیح که چهره قابل روئیت خدای نادیده است درک کنند.

رابطه ایمان‌دار و بی‌ایمان

با ایمانان پیوند و همبستگی ایجاد نکنید آیا می‌تواند بین پاکی و گناه پیوندی باشد آیا نور و تاریکی با یکدیگر ارتباطی دارند یا بین مسیح و شیطان توافقی وجود دارد آیا بین یک ایمان‌دار و بی‌ایمان وجه اشتراکی است آیا می‌توان خانه خدا را با بت‌خانه یکی دانست زیرا شما خانه خدای زنده هستید و خدا در شما ساکن است چنانکه او فرموده است من در ایشان ساکن خواهم شد و در میانشان اقامت خواهم گزید و من خدای آنان خواهم بود و ایشان قوم من از این رو است که خدا می‌فرماید: از میان گناهکاران خارج شوید خود را از ایشان جدا سازید به چیزهای ناپاک دست نزنید تا شما بپذیرم آنگاه من پدر شما خواهم بود و شما پسران و دختران من

شادی پولس

گاه خدا اجازه می‌دهد که انسان دچار غم و اندوه گردد چنین غمی سبب می‌گردد که انسان از گناه دست بکشد و در جستجوی زندگی جاوید بر آید هیچ پشیمانی نیز در آن وجود ندارد اما غم این دنیا غمی نیست که باعث توبه از گناه شود و از هلاکت ابدی جلوگیری نماید.

پولس از خدمت خود دفاع می‌کند

حال با همان آرامی و مهربانی مسیح از شما درخواستی می‌کنم بلی این درخواست را همان پولس می‌کند که برخی از شما درباره‌اش می‌گویند: وقتی از ما دور است نامه‌های تهدید آمیز می‌نویسد اما وقتی نزد ما است جرأت نمی‌کند حتی سخنی بگوید

درخواست من است که کاری نکنید وقتی نزد شما می‌رسم با خشونت با شما رفتار کنم نمی‌خواهم کار به جایی بکشد که مجبور شوم بعضی از شما را تنبیه کنم یعنی آنانی را که تصور می‌کنند کارها و سخنان من غیر روحانی و انسانی است اگر چه من یک انسان عادی و ضعیف هستم اما برای پیروزی در مبارزات روحانی از نقشه‌ها و دستورات انسانی استفاده نمی‌کنم.

پولس و رسولان دروغین

آیا گناه کردم که پیام انجیل را بدون دریافت هیچ کمک مالی به شما اعلام کردم آیا خطا بود که خود را حقیر کردم تا شما سرافراز شوید در عوض کلیساهای دیگر را غارت کردم و در تمام مدتی که نزد شما بودم از هدایای این کلیساها امرار معاش کردم تا بتوانم بدون گرفتن کمکی از شما به شما خدمت کنم و زمانی که این هدایا تمام شد و دیگر چیزی برای گذران زندگی نداشتم باز دست کمک به سوی شما دراز نکردم زیرا مسیحیان مقدونیه برایم هدیه آوردند تا به حال از شما دیناری نخواستم و هرگز هم نخواهم خواست.

آخرین هشدار

این سومین باری است که به دیدار شما می‌آیم کتاب آسمانی می‌فرماید: اگر دو یا سه شاهد کسی را در حال ارتکاب جرمی ببینند آن شخص مجرم شناخته می‌شود و باید مجازات گردد پس این سومین دیدار من همچون سومین هشداری است که به شما می‌دهم آخرین باری که در آنجا بودم به آنانی که مرتکب گناه می‌شدند اخطار کردم اکنون به آنان و نیز به سایرین باز هشدار می‌دهم که این بار از خطای کسی چشم‌پوشی نخواهم کرد و هیچ‌کس از تنبیه نخواهد رست.

نامه پولس به مسیحیان غلاطیه

سرزنش پطروس

به خوبی می‌دانیم که انسان با اجرای احکام شریعت هرگز در نظر خدا پاک و بی‌گناه به حساب نخواهد آمد بلکه فقط با ایمان به عیسی مسیح پاک و بی‌گناه محسوب خواهد شد بنابراین ما نیز به عیسی مسیح ایمان آوردیم تا از این راه مورد قبول خدا واقع شویم نه از راه انجام شریعت یهود زیرا هیچ‌کس هرگز با حفظ احکام شریعت نجات و رستگاری نخواهد یافت.

معنی واقعی شریعت و احکام

ای فرزندان من شما که فکر می‌کنید با اجرای احکام شریعت یهود می‌توان نجات یافت چرا نمی‌خواهید درک کنید معنی واقعی شریعت و مذهب یهود چیست زیرا درباره ابراهیم می‌خوانیم که او دو پسر داشت یکی از کنیز خود و دیگری از زن آزاد پسر کنیز به طور عادی متولد شد اما پسر زن آزاد بنابر وعده مخصوص خدا تولد یافت این رویداد تاریخی بیانگر دو روش است که از طریق آن‌ها خدا انسان را مورد عنایت قرار می‌دهد یکی از این دو روش اعطای احکام و شریعت است به موسی در کوه سینا باید توجه داشت که اعراب کوه سینا را کوه هاجر می‌نامند در تشبیهی که آوردم کنیز ابراهیم یعنی هاجر را مظهر شهر اورشلیم قرار دادند این شهر همچون مادر یهودیان و کانون روشی است که طبق آنان فقط از طریق اجرای احکام شریعت می‌توان نجات یافت و یهودیان که می کوشند از این روش پیروی کنند همچون فرزندان این کنیز می‌باشند اما مادر ما و وطن ما اورشلیم آسمانی است که کنیز و بنده شریعت نیست.

از این رو است که اشعیای نبی از جانب خداوند فرمود: شاد باش ای زن نازا که هرگز نزاییده‌ای

فریاد شادی برآورد ای تو که هرگز درد زایمان را نچشیده‌ای

زیرا من به تو فرزندانی خواهم بخشید که تعدادشان بیشتر از تعداد فرزندان کنیز خواهند بود.

حفظ آزادی نجات

باز تکرار می‌کنم هر که بخواهد با ختنه شدن خدا را خشنود سازد مجبور است بقیه احکام شریعت را نیز یک به یک حفظ کند وگرنه محکوم به هلاکت ابدی است اگر بخواهید با حفظ دستورهای مذهبی مقبول خدا شوید مسیح برای شما هیچ فایده‌ای نخواهد داشت و از فیض و لطف الهی محروم خواهید ماند.

خوب پیشرفت می‌کردید چه کسی این‌چنین شما را از راه راست منحرف کرد بدون شک این امر از جانب خدا نیست چون او خودش شما را دعوت کرده تا به وسیله مسیح آزاد شوید این کار یک نفر خرابکار است که مانند بز گر به میان شما آمده و واضح است که یک بز گر کافی است که تمام گله را مبتلا سازد.

زندگی آزاد به وسیله روح خدا

هنگامی که از امیال و خواسته‌های نادرست خود پیروی می‌کنید این گناهان وارد زندگی شما می‌شوند زنا، انحرافات جنسی، بی‌عفتی، بت‌پرستی، جادوگری، احضار ارواح، دشمنی و دو به هم زنی، کینه‌توزی و خشم، خودخواهی و نفع طلبی، شکایت و انتقاد و بهانه‌جویی، در اشتباه دانستن دیگران و برحق شمردن خود، حسادت و آدمکشی، مستی و عیاشی و چیزهایی از این قبیل همان‌طور که قبلاً هم اشاره کردم باز تکرار می‌کنم هر که این‌چنین زندگی کند در ملکوت جایگاهی نخواهد داشت.

نامه پولس به مسیحیان افسس

عمر دوباره در مسیح

روزگاری شما نیز به خاطر خطایا و گناهانتان زیر لعنت خدا قرار داشتید و محکوم به مرگ ابدی بودید شما هم مانند دیگران غرق در گناه بودید و شیطان را اطاعت می‌کردید ما نیز همگی مانند آنان بودیم طرز زندگی ما نشان‌دهنده ذات ناپاک ما بود ما اسیر هوس‌ها و افکار کثیف خود بودیم و دست به هرکار زشتی می‌زدیم ما با همین طبیعت سرکش به دنیا آمدیم و درست مانند دیگران زیر خشم و غضب خدا بودیم توسط ایمانتان به مسیح است که نجات یافته‌اید و این کار شما نیست بلکه هدیه خدا است نجات نتیجه اعمال خوب ما نیست از این رو هیچ‌کس نمی‌تواند به خود ببالد این خدا است که ما را از نو آفریده و این زندگی جدید را از فیض وجود عیسی مسیح به ما داده است.

روابط زن و شوهر

به احترام مسیح مطیع یکدیگر باشید ای زنان همچنان که از مسیح اطاعت می‌کنید از شوهرانتان نیز اطاعت کنید زیرا شوهر رئیس و سرپرست خانواده است همان‌طور که مسیح رئیس و سرپرست کلیسا است به همین علت بود که او جانش را فدا کرد تا نجات‌دهنده کلیسا گردد پس شما زنان نیز باید در هر امری با کمال میل از شوهر خود اطاعت کنید درست همان‌گونه که کلیسا مطیع مسیح است.

فرزندان و والدین غلامان و اربابان

ای فرزندان پدر و مادر خود را اطاعت کنید که این کار درستی است زیرا خداوند اختیار زندگی شما را به دست ایشان سپرده است ای غلام‌ها از اربابتان اطاعت کنید و ایشان را با علاقه به بهترین نحو خدمت کنید با این تصور که به مسیح خدمت می‌کنید طوری نباشد که فقط در حضور آنان وظایف خود را خوب انجام دهید و در غیابشان از کار شانه خالی کنید بلکه همیشه خوب کار کنید با دلگرمی مانند اینکه برای مسیح کار می‌کنید.

و شما ارباب‌ها با غلامان و زیردستان خود درست رفتار کنید همان‌طور که به ایشان نیز گفتم با شما درست رفتار نمایند فراموش نکنید که شما هم غلام هستید غلام عیسی مسیح شما هر دو یک ارباب دارید و او از کسی طرفداری نمی‌کند.

نامه پولس به مسیحیان فیلیپی

از طرف پولس و تیموتائوس خدمتگزاران عیسی مسیح به کشیشان و خدمتگزاران کلیسا و تمام مسیحیان راستین در شهر فلیپی

هرگاه شما را به یاد می‌آورم خدا را برای وجودتان سپاس می‌گویم زیرا شما از همان روزی که پیغام انجیل را شنیدید تا به حال کمک‌های بسیاری در اشاعه و گسترش آن نموده‌اید دوش به دوش یکدیگر استوار ایستاده‌اید و هدف همگی‌تان این است که بدون توجه به مخالفت‌های دشمن پیغام نجات‌بخش انجیل را به همه اعلام کنید همین امر برای ایشان نشانه هلاکت است در این مجاهده و پیکار ما با یکدیگر شریک می‌باشیم شما در گذشته شاهد زحمات من در راه مسیح بوده‌اید و همان‌طور که می‌دانید هنوز هم درگیر همان زحمات و مبارزات هستم.

نجات به وسیله مسیح نه از راه دین‌داری

مواظب سگ‌های خطرناک باشید منظورم آن شیطان‌صفتانی هستند که می‌گویند: برای نجات یافتن باید ختنه شد ما با قطع کردن قسمتی از بدن خود فرزند خدا نمی‌شویم بلکه با پرستش خدا به‌وسیله روح او

ختنه واقعی همین است ما مسیحیان به آن و امید به آنچه در پیش است چشم دوزیم و بکوشند تا به خط پایان مسابقه برسم و جایزه را به چنگ آورم که برای آن خدا ما را به سوی آسمان فرا می‌خواند و همه این‌ها در اثر فداکاری است که مسیح برای ما انجام داده است.

سرمنزل آسمانی‌ها

برادران عزیز مرا سرمشق خود قرار دهید و به کسانی توجه نمایید که مطابق نمونه ما رفتار می‌کنند زیرا قبلاً بارها به شما گفته‌ام و اکنون نیز گریه‌کنان می‌گویم: که خیلی‌ها به ظاهر می‌گویند مسیحی‌اند در واقع دشمنان صلیب مسیح‌اند این‌گونه افراد عاقبتشان هلاکت ابدی است چون خدای ایشان شکمشان است و به چیزی فخر می‌کنند که باید از آن خجالت بکشند تمام افکارشان متوجه امور دنیای فانی است.

نامه پولس به مسیحیان کولسی

مسیح که بود و چه کرد

مسیح چهره دیدنی خدای نادیده است او فرزند خداست و بر تمامی موجودات برتری دارد در واقع تمام هستی به وسیله عیسی مسیح به وجود آمد یعنی هرآنچه در آسمان‌ها و بر زمین است.

رفتار تازه

ای زنان از شوهران خود اطاعت کنید زیرا این خواست خداوند است ای شوهران همسران خود را محبت نمایید و با ایشان تندی و تلخی نکنید ای فرزندان مطیع پدر و مادر خود باشید زیرا این خداوند را خشنود می‌سازد و شما پدران فرزندانتان را آن‌قدر سرزنش نکنید که دلسرد و شکسته شوند ای خدمتکارها در هر امری مطیع اربابان خود در دنیا باشید نه تنها در حضور ایشان به وظایف خود عمل کنید بلکه به سبب محبت و احترامتان به مسیح همیشه از صمیم قلب خدمت نمایید هر کاری را از جان و دل انجام دهید درست مانند اینکه برای مسیح کار می‌کنید نه برای اربابتان فراموش نکنید که شما پاداشتان را از مسیح خداوند دریافت خواهید کرد یعنی همان میراثی را که برای شما نگاه داشته است زیرا شما در واقع بنده مسیح هستید پس اگر مسیح را خوب خدمت نکنید خدا نیز پاداش خوبی به شما نخواهد داد چون کسی که در انجام وظیفه‌اش کوتاهی کند خدا به او رحم نخواهد نمود.

شما ارباب‌ها نیز باید با عدل و انصاف با خدمتکاران خود رفتار کنید فراموش نکنید که خود شما نیز در آسمان ارباب دارید که همیشه ناظر بر رفتار شماست.

نامه اول پولس به مسیحیان تسالونیکی

شهرت ایمان تسالونیکیان

فقط بنده خدای زنده و حقیقی هستید در ضمن بازگو می کنند که با چه اشتیاقی منتظر بازگشت فرزند خدا یعنی عیسی مسیح می‌باشید که خدا او را پس از مرگ زنده کرد او تنها کسی است که ما را از غضب خدا نجات خواهد داد از غضبی که خدا بر گناه وارد خواهد ساخت.

خدمت پولس در تسالونیکی

ایشان انبیا پیشین و حتی عیسی خداوند را کشتند اکنون نیز بی‌رحمانه ما را آزار می‌دهند آنان هم با خدا مخالف‌اند هم با انسان و می کوشند ما را از رساندن پیغام خدا به غیر یهودیان منع کنند زیرا می ترسند ایشان نیز به نجات دست یابند به این ترتیب گناهان این قوم روز به روز سنگین تر می‌شود و سرانجام غضب خدا بر ایشان فرود خواهد آمد.

آمادگی برای بازگشت خداوند

شاید بپرسید که مسیح در چه زمانی بازخواهد گشت برادران عزیز لازم نیست در این باره چیزی بنویسم زیرا شما به خوبی می‌دانید که هیچ‌کس زمان بازگشت او را نمی‌داند روز خداوند همچون دزد شب بی‌خبر سر می‌رسد همان وقت که مردم می‌گویند: همه‌جا امنم و امان است ناگهان مصیبت دامن‌گیرشان خواهد شد همان‌طور که درد به سراغ زن آبستن می‌آید آنگاه راه فراری برای آنان وجود نخواهد داشت.

از یاد نبریم که خدا ما را برنگزیده تا زیر غضب خود قرار دهد بلکه ما را انتخاب نموده تا به وسیله خداوند ما عیسی مسیح نجات دهد او جان خود را فدا کرد تا ما بتوانیم تا ابد با او زندگی کنیم خواه به هنگام بازگشت او زنده باشیم خواه نباشیم

نامه دوم پولس به مسیحیان تسالونیکی

پایان زحمات و رنج‌ها

برادران عزیز موظفیم همواره خدا را برای وجود شما شکر نماییم بلی شایسته است که چنین کنیم زیرا ایمان شما به گونه‌ای چشم‌گیر رشد کرده و محبت شما نسبت به یکدیگر بی‌نهایت عمیق شده است به هر کلیسایی که می‌رویم به وجود شما افتخار می‌کنیم و برای ایشان بیان می‌نماییم که چگونه شما با وجود مشکلات طاقت‌فرسا و آزار و اذیت‌ها شکیبایی و ایمان کامل به خدا را حفظ کرده‌اید این آزارها و ناملایمات نشان می‌دهند که راه‌های خدا منصفانه و عادلانه است زیرا او به وسیله این زحمات و رنج‌ها از یک طرف شما را برای ملکوت خود آماده می‌کند و از طرف دیگر تنبیه و مجازات را برای آنانی که شما را زجر می‌دهند مهیا می‌سازد.

بنابراین به شما که رنج و آزار می‌بینید اعلام می‌دارم که وقتی عیسی خداوند به ناگاه در میان شعله‌های آتش و با فرشتگان نیرومند خود از آسمان ظاهر شود خدا به ما و شما آسودگی خواهد بخشید اما آنانی را که از شناختن خدا و پذیرش خدا و پذیرش نقشه نجات او توسط عیسی مسیح سرباز می‌زنند به کیفر خواهند رسید ایشان به مجازات جاودانی خواهند رسید و تا ابد از حضور خداوند دور خواهند ماند و هرگز شکوه و عظمت قدرت او را نخواهند فهمید.

نامه اول پولس به تیموتائوس

مبارزه با تعالیم غلط

بلی این احکام داده شده تا نشان دهد که مرتکبین این اعمال جز گناه‌کاران‌اند یعنی زناکاران، هم‌جنس‌بازان، آدم‌دزدان، دروغ‌گویان و تمام کسانی که مرتکب اعمالی بر خلاف تعلیم صحیح می‌گردند تعلیمی که مطابق انجیل پرجلال خدای متبارک است و من نیز برای اعلام آن تعیین شده‌ام.

دستورات در خصوص دعا و عبادت

چند نکته مهم را نیز مورد تأکید قرار می‌دهم برای همه مردم دعا کن از خدا درخواست کن که بر آنان رحم کند و به سبب آنچه که برای ایشان انجام خواهد داد او را شکر کن.

زنان نیز باید در طرز پوشاک و آرایش خود با وقار باشند زنان مسیحی باید برای نیکوکاری و اخلاق خوب خود مورد توجه قرار گیرند نه برای آرایش مو و یا آراستن خود به زیورآلات و لباس‌های پر زرق و برق.

زنان باید در سکوت و با اطاعت کامل به فراگیری مسائل روحانی بپردازند اجازه نمی‌دهند زنان به مردان چیزی یاد دهند و یا بر آنان مسلط شوند زنان باید در جلسات کلیسایی ساکت باشند علت این امر آن است که خدا نخست آدم را آفرید و بعد حوا را و این آدم نبود که فریب شیطان را خورد بلکه حوا فریب خورد و گناه کرد.

از این جهت خدا زنان را به درد زایمان دچار ساخت اما اگر به او ایمان آورند و زندگی آرام و با محبت و پاکی را در پیش گیرند روح ایشان را نجات خواهد داد.

کشیشیان و شماسان

این گفته صحیح است که اگر کسی مشتاق است کشیش شود در آرزوی کار خوبی است اما کشیش باید شخص درست و نیکی باشد تا کسی نتواند عیبی در او بیابد او باید شوهر وفادار یک زن باشد خویشتن‌دار بوده عاقلانه فکر کند.

کشیش نباید تازه ایمان باشد زیرا ممکن است از اینکه این قدر زود به این مقام گمارده شده دچار غرور گردد غرور نیز نخستین گام به سوی سقوط است همان‌طور که شیطان نیز از همین راه سقوط کرد کشیش در خارج کلیسا در میان مردم خویشتن‌دار و مردم قابل اعتماد باشد.

شماس باید فقط یک زن داشته باشد و نسبت به او وفادار بوده و سرپرست خوبی برای خانواده باشد.

رفتار با بیوه‌زنان در کلیسا

بیوه‌های جوان‌تر را جز این گروه نپذیر چون بعد از مدتی ممکن است امیال و غرایض بر ایشان چیره شود و خواهان ازدواج مجدد گردند به این ترتیب به سبب شکستن پیمان اولشان با مسیح مورد محکومیت قرار می گیرند.

رفتار با کشیشان

کشیشانی که امور کلیسا را خوب اداره می‌کنند باید هم حقوق خوبی دریافت کنند و هم مورد تشویق قرارگیرند به خصوص آنانی که در کار موعظه و تعلیم کلام خدا زحمت می‌کشند زیرا کتاب آسمانی می‌فرماید:

دهان گاوی را که خرمن می‌کوبد نبند و بگذار به هنگام کار از خرمنت بخورد در جای دیگر نیز می‌فرماید:

کسی که کار می‌کند باید حقش را بگیرد

خوب است که به جز آب گاهی نیز برای ناراحتی معده‌ات کمی شراب بنوشی زیرا اغلب بیمار می‌شوی

برخی از مردم و حتی برخی از کشیشان زندگی گناه‌آلودی دارند و همه از آن مطلع هستند در این مورد باید اقدام شدیدی به عمل آورید.

رفتار غلام مسیحی

آن دسته از مسیحیانی که غلام هستند باید برای ارباب خود خوب کار کنند و به او احترام بگذارند تا نگویند که مسیحیان کارکنان خوبی نیستند نگذارید از این راه نام خدا و تعالیم مسیحی مورد اهانت قرار گیرد اگر ارباب هم مسیحی باشد نباید از او سوءاستفاده نمایند و از زیر کار شانه خالی کنند بلکه برعکس باید بهتر کار کنند چون به یک برادر مسیحی خدمت می‌کنند این نکات را به ایمان‌داران تعلیم ده و ایشان را تشویق نما تا آن را اجرا نمایند.

نامه پولس به تیطوس

وظایف گروه‌های مختلف

غلامان و خدمتکاران را نصیحت کن که از دستورهای ارباب خود اطاعت کنند و بکوشند تا در هر امری رضایت خاطر ایشان را فراهم سازند در مقابل گفته‌های ارباب خود نیز جواب پس ندهید این حقایق را تعلیم ده و مؤمنین را به انجام آن‌ها تشویق کن هرگاه لازم دیدی با قدرت و اختیار کامل ایشان را توبیخ و اصلاح نما اجازه نده کسی سخنان تو را بی‌اهمیت گمارد.

نامه‌ای به مسیحیان یهودی‌نژاد (عبرانیان)

برتری مسیح بر فرشتگان

همچنین در جای دیگر هنگامی که فرزند ارشد او به جهان می‌آمد فرمود: همه فرشتگان خدا او را پرستش نمایند خدا درباره فرشتگان می‌فرماید:

همچون باد به سرعت پیغام می‌برند و چون شعله‌های آتش با شور و حرارت خدمت می‌کنند.

خدا به فرزندش فرمود: در کنار من نشین تا دشمنانت را زیر پاهایت بیفکنم اما خطاب به هیچ فرشته‌ای چنین نگفت زیرا فرشته‌ها فقط روح‌هایی خدمت گذار هستند و برای کمک و مراقبت از کسانی فرستاده می‌شوند که مایل‌اند نجات الهی را دریافت کنند.

هشدار در مقابل بی‌ایمانی

به دلیل همین برتری مسیح روح‌القدس به ما هشدار می‌دهد که امروز به او گوش فرا دهیم و با دقت صدای او را بشنویم و نگذاریم دل‌هایمان مانند قوم بنی‌اسرائیل نسبت به او سخت شود زمانی که خدا قوم اسرائیل را در بیابان امتحان می‌کرد ایشان به محبت او پشت پا زدند و از او شکایت کردند اما خدا چهل سال تحمل نمود با اینکه بارها کاسه صبر او را لبریز کردند باز خدا در برابر چشمان ایشان معجزات حیرت‌آور به عمل آورد اما خدا می‌فرماید: من نسبت به ایشان خشمگین شدم زیرا ایشان همواره گمراه هستند و هیچ‌گاه مایل نبودند به راهی که من می‌خواستم بروند بنابراین خدا به هنگام خشم خود قسم خورد که دیگر هرگز اجازه ندهد که ایشان وارد سرزمین موعود گردند و در آنجا آرامش یابند آیا می‌دانید آنانی که صدای خدا را شنیدند و به آن بی‌اعتنایی کردند چه کسانی بودند آنان همان کسانی بودند که به رهبری موسی از مصر بیرون آمدند آیا می‌دانید چه کسی برای مدت چهل سال خدا را به خشم می‌آوردند همان اشخاصی که گناه کردند و در نتیجه در بیابان از بین رفتند و خدا درباره چه کسانی قسم خورد و گفت: که هرگز نخواهند توانست وارد سرزمین موعود شوند درباره همان اشخاصی که از او سرپیچی کرده بودند و چرا نتوانستند وارد سرزمین موعود گردند زیرا نسبت به خدا بی‌ایمان بودند و به او وفادار نماندند.

عیسی مسیح کاهن اعظم ما

در دین یهود کاهن اعظم انسانی است عادی همچون انسان‌های دیگر و انتخاب شده تا به نمایندگی از سوی همه مردم به درگاه خدا برود او وظیفه دارد هدایای مردم را به حضور خدا ببرد و خون حیواناتی که قربانی کرده است به او تقدیم کند تا گناهان خود و مردم را کفاره نماید با این حال مسیح وقتی در این دنیا به سر می‌برد با اشک و آه اندوه عمیق به درگاه خدا التماس می‌کرد تا او را از قدرت مرگ نجات بخشد خدا نیز دعای او را به سبب اطاعت کاملش مستجاب فرمود با اینکه عیسی فرزند خدا بود اما می‌بایست عملاً درد و عذاب می‌کشید تا به تجربه معنی اطاعت را بیاموزد پس از گذراندن این تجربه بود که نشان داد که به حد کمال رسیده و می‌تواند نجات ابدی را نصیب آنانی سازد که از او اطاعت می‌نمایند به همین جهت خدا او را معین فرمود تا کاهن اعظم باشد کاهنی هم‌پایه ملک صادق

هشدار در مورد رد کردن خدا

چگونه ممکن است کسی که از ایمان برگشته بتواند بار دیگر توبه کند کسی که یک‌بار با شنیدن پیغام انجیل نور الهی در وجودش درخشیده و طعم امور عالی آسمانی را چشیده و در روح‌القدس نصیبی یافته است و هم‌چنین درک نمود که کلام خدا چقدر عالی است و نیروهای عالم آینده را نیز احساس کرده است اگر با وجود تمام این برکات از خدا روی‌گردان شود محال است بتوان او را بار دیگر با خدا آشتی داد او در واقع فرزند خدا را رد کرده و مانند این است که او را مسخره و رسوا نموده و حتی بر صلیب بار دیگر میخکوب کرده است در این صورت غیر ممکن است بتواند بار دیگر خود را برای توبه آماده سازد.

پرستشگاه پیمان اول

بهر حال این وسایل به این ترتیب قرار می‌گیرند و کاهنان نیز برای انجام وظایف خود هر روز وارد قسمت اول پرستشگاه می‌شوند اما به قسمت دوم فقط کاهن اعظم می‌تواند وارد شود آن هم فقط سالی یک‌بار او همراه خود مقداری خون قربانی به داخل می‌برد و بر تخت رحمت می‌پاشد تا گناهان خود و گناهان قوم اسرائیل را کفاره کند.

خون مسیح پاک‌کننده قطعی گناه

شریعت و تشریفات مذهبی یهود فقط نمونه‌ای نارساست از برکاتی که بنا بود مسیح برای ما به ارمغان بیاورد مطابق این شریعت هر ساله حیوانی قربانی می‌شود اما این قربانی به هیچ وجه قادر نیست آنانی را که پایبند احکام شریعت هستند رستگار کند.

به همین جهت بود که وقتی مسیح به این جهان می‌آمد گفت: ای خدا خون گاو و بز نمی‌تواند تو را خشنود سازد تا گناه انسان را ببخشایی پس این بدن را برای من مهیا ساختی تا همچون قربانی بر قربانگاه تو فدا کنم از قربانی کردن حیوانات راضی نبودی یعنی آن حیواناتی که برای کفاره گناه در حضورت ذبح می‌کردند و می‌سوزاندند.

پس گفتم: اینک آمده‌ام تا اراده تو را به جا آورم آمده‌ام تا مطابق پیشگویی کتاب آسمانی جان خود را فدا سازم.

مطابق شریعت و روش سابق کاهنان هر روز در مقابل قربانگاه می‌ایستند و قربانی‌هایی تقدیم می‌کنند که هرگز نمی‌توانند گناهان را برطرف نمایند اما مسیح خود را فقط یک‌بار به عنوان قربانی به خدا تقدیم کرد تا گناهان را بیامرزد و پس از آن در بالاترین مقام عزت و افتخار به دست راست خدا نشست و منتظر است تا دشمنانش به زیر پاهای او افکنده شوند.

نوح

نوح یکی دیگر از کسانی است که به خدا ایمان داشت وقتی خدا به او فرمود: که سرنوشت هولناکی در انتظار مردم بی‌ایمان است او سخن خدا را باور کرد با اینکه هنوز هیچ نشانه‌ای از طوفان نبود اما او بدون فوت وقت یک کشتی ساخت و خانواده خود را نجات داد ایمان نوح در نقطه مقابل گناه و بی‌ایمانی مردم قرار داشت مردمی که حاضر نبودند خدا را اطاعت کنند در اثر همین ایمان بود که نوح مقبول خدا گردید.

ابراهیم

زمانی که خدا ابراهیم را در بوته آزمایش قرار داد از او خواست تا پسرش اسحاق را قربانی کند او حاضر شد دستور خدا را اطاعت نماید با اینکه او درباره اسحاق وعده‌هایی از خدا دریافت کرده بود اما آماده شد تا او را قربانی کند بلی همان اسحاق را که خدا وعده داده بود از طریق او نسلی برای ابراهیم به وجود بیاورد زیرا ابراهیم ایمان داشت که حتی اگر اسحاق بمیرد خدا قادر است او را زنده سازد در واقع همین‌طور نیز شد زیرا اسحاق از دیدگاه ابراهیم محکوم به مرگ بود اما عمر دوباره یافت

موسی

به خاطر ایمان به خدا بود که او بدون ترس از غضب پادشاه مصر را ترک گفت و استوار به پیش رفت همچون کسی که خدای نادیده را در مقابل دیدگان خود دارد او چون ایمان داشت که خدا قوم خود را نجات خواهد داد به دستور خدا به قوم اسرائیل امر کرد که هر خانواده بره‌ای ذبح کند و خون آن را بر سر در خانه خود بپاشد تا فرشته مرگ که پسران ارشد مصریان را می‌کشت به پسر ارشد آن خانه صدمه‌ای نرساند قوم اسرائیل نیز به خدا ایمان آوردند و به سلامت از میان دریای سرخ عبور کردند گویی از زمین خشک رد می‌شدند اما وقتی مصریان به دنبالشان آمدند و قصد عبور نمودند همگی غرق شدند.

راحاب

در عصر ایمان بود که حصار شهر اری‌ها پس از آنکه قوم اسرائیل به دستور خدا هفت روز آنجا را دور زدند فرو ریخت اما در آن میان راحاب فاحشه همراه اهالی اری‌ها کشته نشد زیرا به خدا و قدرت او ایمان داشت و از فرستادگان قوم خدا به گرمی پذیرایی کرد اما دیگران حاضر نشدند خدا را اطاعت کنند.

دعوت به صبر و پایداری

گویا به کلی از یاد برده‌اید که کلام خدا برای تشویق شما فرزندان خدا چه می‌گوید کلام خدا می‌فرماید:

پسرم هرگاه خداوند تو را تنبیه کند دلگیر نشو و هرگاه اشتباهاتت را خاطر نشان سازد دلسرد نشو زیرا اگر تو را تأدیب می‌کند به این علت است که دوستت دارد و اگر تو را تنبیه می‌نماید به این دلیل است که فرزند او هستی.

هشدار در مورد بی‌توجهی به امور الهی

بلی دقت کنید زیرا شما با مسائلی سر و کار دارید که بسیار بالاتر از مسائلی است که قوم اسرائیل با آن مواجه بودند هنگامی که خداوند در کوه سینا احکام خود را به قوم اسرائیل عطا می‌کرد ایشان با شعله‌های آتش تاریکی و ظلمت کامل طوفان هولناک و صدای سهمگین شیپور مواجه شدند صدایی نیز که با ایشان سخن می‌گفت حاوی پیامی چنان هراس‌انگیز بود که از خدا التماس کردند که دیگر چیزی نگوید زیرا قادر نبودند این دستور را تحمل کنند که فرموده بود:

اگر حیوانی به کوه نزدیک شود باید سنگسار گردد موسی نیز چنان از آن منظره ترسیده بود که می‌لرزید.

چند اندرز مفید

به ازدواج خود و به عهد و پیمانی که بسته‌اید وفادار باشید پیمان زناشویی‌تان را از آلودگی دور نگه دارید زیرا خدا افراد فاسد و زناکار را حتماً مجازات خواهد کرد.

طبق شریعت یهود کاهن اعظم خون حیوانات قربانی را برای کفاره گناهان به مقدس‌ترین جایگاه می‌برد و بعد لاشه حیوانات بیرون شهر سوزانده می‌شود به همین ترتیب مسیح نیز برای آنکه گناهان ما را بشوید بیرون از شهر عذاب کشید و مرد.

نامه یعقوب

شادی در سختی‌ها

برادران عزیز وقتی مشکلات و آزمایشات سخت از هر سو به شما هجوم می‌آورند بسیار شاد باشید زیرا در آزمایش و سختی‌هاست که صبر و تحملتان بیشتر می‌شود پس بگذارید صبرتان فزونی یابد و نکوشید از زیر بار مشکلات شانه خالی کنید زیرا وقتی صبرتان به حد کمال رسید افراد کامل و بالغ خواهید شد و به هیچ چیز نیاز نخواهید داشت.

دوری از تبعیض

برادران عزیز به من گوش دهید خدا مردم فقیر را برگزیده تا در ایمان ثروتمند باشند و از برکات ملکوت خدا برخوردار گردند ملکوتی که خدا به دوستداران خود وعده داده است با این حال شما کسی که همه احکام خدا را مو به مو اجرا کند ولی در یک امر کوچک مرتکب اشتباه شود به اندازه کسی مقصر است که همه احکام خدا را زیر پا گذاشته است زیرا همان خدایی که گفت زنا نکنید این را نیز گفت که قتل نکنید پس اگر زنا نکنید اما مرتکب قتل شوید به هرحال از حکم خدا سرپیچی کرده‌اید و در مقابل او مقصر هستید.

خطرات زبان

انسان توانسته است هرگونه حیوان وحشی پرنده خزنده و جاندار دریایی را رام کند و بعد از این نیز رام خواهد کرد اما هیچ انسانی نمی‌تواند زبان را رام کند زبان همچون مار سمی همیشه آماده است تا زهر کشنده خود را بیرون بریزد.

داوری از آن خداست

برادران عزیز از هم خرده نگیرید و غیبت نکنید چون به این ترتیب از حکم خدا اطاعت می‌کنید حکمی که می‌فرماید:

یکدیگر را دوست بدارید اما اگر چنین نکنید نشان می‌دهید که این حکم اشتباه است اما وظیفه شما قضاوت درباره احکام خدا نیست بلکه اطاعت از آن است فقط آن کسی که این احکام را وضع کرد قادر است به درستی در میان ما داوری کند تنها اوست که می‌تواند ما را نجات دهد یا هلاک گرداند.

انسان نمی‌داند فردا چه می‌شود

پس باید بگویید اگر خدا بخواهد زنده خواهیم ماند و چنین و چنان خواهیم کرد در غیر این صورت شما مغرور و خودپسند هستید و به نقشه‌ها و برنامه‌های خود می‌بالید و چنین شخصی هرگز نمی‌تواند خدا را خشنود بسازد پس این را از یاد نبرید اگر بدانید چه کاری درست است و انجام ندهید گناه کرده‌اید.

عاقبت کار ثروتمندان ظالم

و اینک شما ای ثروتمندان توجه کنید گریه و زاری نمایید زیرا بلاهای وحشتناکی در انتظار شماست از هم‌اکنون ثروتتان تباه شده لباس‌های گران‌بهایتان را نیز بید خورده است شما در این دنیا زودگذر طلا و نقره می‌اندوزید غافل از اینکه با این کار برای خود در روز قیامت مجازات ذخیره می‌کنید زیرا همان‌گونه که طلا نقره‌تان را زنگ خورده است آتش نیز بدن شما را خواهد خورد گوش فرا دهید به ناله کارگرانی که برای شما کار کرده‌اند گوش فرا دهید کارگرانی که فریبشان داده‌اید و مزدشان را نداده‌اید ناله‌های ایشان تا به آسمان بالا رفته و به گوش خدا متعال رسیده است.

نامه اول پطروس

آزمایش ایمان

پس حال که چنین ارثی در پیش دارید واقعاً شاد باشید حتی اگر لازم باشد در این دنیا برای مدتی سختی‌ها و زحماتی را متحمل گردید این سختی‌ها به منظور آزمایش ایمان شما پیش می‌آید همان‌طور که آتش نیز طلا را می‌آزماید و پاک می‌سازد ایمان شما پس از آنکه وارد کوره آزمایش گردید و سالم بیرون آمد سبب خواهد شد که در روز بازگشت عیسی مسیح مورد تحسین و تمجید و تکریم قرار گیرید.

سنگ‌های زنده در دست خدا

خدا عزیز و مکرم است پس به‌سوی او بیایید تا شما نیز مانند سنگ‌های زنده در دست خدا در بنای آن عمارت و عبادتگاه روحانی به کار برید مهم‌تر اینکه شما در این عبادتگاه کاهن مقدس نیز می‌باشید پس قربانی‌های مقبول و مورد پسند را توسط عیسی مسیح تقدیم کنید.

این سنگ برای شما که ایمان دارید بسیار گران‌بهاست اما برای بی‌ایمانان همان سنگی است که درباره‌اش گفته شده سنگی که معماران دور افکندند سنگ اصلی ساختمان گردید همچنین در کتاب آسمانی آمده است:

او سنگی است که پای بعضی به آن می‌خورد و می‌افتند و تخته سنگی است که بعضی از آن سقوط می‌کنند حقشان است که بیفتند و سقوط کنند زیرا از کلام خدا اطاعت نمی‌کنند.

کلامی چند به زن و شوهر مسیحی

و اما شما ای زنان مطیع شوهران خود باشید تا چنانچه بعضی از ایشان نیز به انجیل ایمان نیاورده باشند با دیدن رفتار شما ایمان بیاورند زیرا رفتار خوب و توأم با احترام یک زن بهتر از سخنان او درباره مسیح در دل شوهر اثر می‌گذارد.

کلامی به کشیشان کلیسا و جوانان

و شما ای جوانان مطیع افراد سالخورده باشید به همین ترتیب همگی شما با روحی فروتن یکدیگر را خدمت نمایید زیرا خداوند فروتنان را مورد عنایت خاص خود قرار می‌دهد اما مخالف متکبران و مغروران است پس اگر خود را زیر دست نیرومند خدا فروتن سازید او در زمان مناسب شما را سرافراز خواهد نمود.

نامه دوم پطروس

معلمین دروغین و عاقبت کار آنان

اما در آن روزگاران انبیای دروغین نیز بودند همان‌طور که در میان شما نیز معلمین دروغین پیدا خواهند شد که با نیرنگ دروغ‌هایی درباره خدا بیان خواهند کرد و حتی با سرور خود مسیح را که ایشان را با خون خود خریده است سر به مخالفت بر خواهند داشت اما ناگهان سرنوشتی هولناک دچار خواهند شد این معلم نماها از روی طمع با هرگونه سخنان نادرست خواهند کوشید پول شما را به چنگ بیاورند اما خدا از مدت‌ها پیش ایشان را محکوم فرموده پس نابودی‌شان نزدیک است.

روز خداوند

ایشان عمداً نمی‌خواهند این حقیقت را به یاد آورند که یک‌بار خدا جهان را با طوفانی عظیم نابود ساخت آن هم مدت‌ها بعد از آنکه به فرمان خود آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آب برای شکل دادن و احاطه زمین استفاده کرد اکنون نیز به فرمان خدا آسمان و زمین باقی هستند تا در روز داوری با آتش نابود شوند یعنی در همان روزی که بدکاران مجازات و هلاک خواهند شد به هر حال بدانید که روز خداوند حتماً خواهد آمد آن هم مثل دزدی که همه را غافلگیر می‌کند در آن روز آسمان‌ها با صدایی هولناک از بین خواهند رفت و اجرام آسمانی در آتش نابود شده و زمین و هر آنچه در آن است خواهد سوخت.

نامه اول یوحنا

زندگی در نور و محبت

فرزندان عزیزم این‌ها را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید اما اگر گناهی از شما سرزند کسی هست که برای ما نزد خدای پدر وساطت کند و بخشایش ما را از او درخواست نماید این شخص عیسی مسیح است که مظهر راستی و عدالت است او کسی است که تاوان گناهان ما را داده تا خدا ما را هلاک نسازد او با این کار رابطه‌ای دوستانه کمیان خدا و ما به وجود آورده است او نه فقط برای گناهان ما بلکه برای گناهان مردم تمام جهان فنا شد.

هشدار درباره دجال

فرزندان عزیزم پایان دنیا نزدیک شده است شما حتماً درباره ظهور دجال که دشمن مسیح است چیزهایی شنیده‌اید حتی الآن نیز مخالفین مسیح همه جا دیده می‌شوند.

دروغ‌گوی واقعی کیست هر که بگوید عیسی همان مسیح نیست دروغ‌گو است این همان دجال است زیرا نه به خدای پدر ایمان دارد و نه به فرزند خدا کسی که به عیسی مسیح فرزند خدا ایمان نداشته باشد امکان ندارد بتواند خدای پدر را بشناسد اما کسی که به فرزند خدا ایمان دارد خدای پدر را نیز می‌شناسد.

بلی فرزندان من بکوشید تا با مسیح رابطه‌ای صمیمی داشته باشید تا به هنگام بازگشت او بتوانید با اطمینان از او استقبال کنیم نه با ترس و خجالت.

نامه دوم یوحنا

اگر کسی برای تعلیم دادن کلام خدا نزد شما آمد اما به تعالیم مسیح ایمان نداشت او را به خانه خود راه ندهید و حتی به او سلام نکنید زیرا اگر با این فاسدان معاشرت کنید مانند آنان خواهید شد.

نامه سوم یوحنا

برادر عزیز تو خدمت مفیدی برای خدا انجام می‌دهی زیرا از خادمین او که از آنجا عبور می‌کنند پذیرایی می‌کنی ایشان در کلیسای ما از رفتار پرمحبت تو تعریف‌ها کردند زیرا ایشان برای خدمت به خداوند سفر می‌کنند و پیغام انجیل را به کسانی که هنوز به مسیح ایمان نیاورده‌اند اعلام می‌نمایند بدون آنکه کمکی از آنان دریافت دارند پس بر ما مسیحیان واجب است که به چنین افرادی کمک کنیم تا ما نیز به خدمت کردن خدا با ایشان شریک باشیم.

نامه یهود

گناه و هلاکت بی‌دینان

ای عزیزان در نظر داشتم درباره نجاتی که خداوند به ما عطا فرموده مطالبی برایتان بنویسم اما اکنون لازم می‌بینم مطلب دیگری به جای آن بنویسم تا شما را ترغیب نمایم از آن حقیقتی که خدا یک‌بار برای همیشه به مقدسین خود عطا کرد با جدیت تمام دفاع کنید عده‌ای خدانشناس با نیرنگ وارد کلیسا شدند و تعلیم می‌دهند که ما پس از مسیحی شدن می‌توانیم هر چه دلمان می‌خواهد انجام دهیم بدون آنکه از مجازات الهی بترسیم عاقبت هولناک این معلمین دروغین و گمراه از مدت‌ها پیش معین شده است زیرا با سرور و خداوند یگانه ما عیسی مسیح سر به دشمنی گذاشته‌اند تنها چیزی که از خود بر جای می‌گذارند ننگ و رسوایی است درست مانند کف ناپاک دریا که از موج‌های خروشان بر ساحل باقی می‌ماند.

مکاشفه، رویدادهای آخرالزمان

این کتاب از رویدادهای آینده پرده برمی‌دارد رویدادهایی که به زودی رخ خواهد داد.

خدا به مسیح اجازه داد تا این وقایع را در یک رؤیا بر خادم خود یوحنا آشکار سازد آنگاه فرشته‌ای آمد و معنی آن را برای او بازگو کرد یوحنا نیز تمام سخنان عیسی و خدا و هر آنچه که خود دید و شنید به نگارش در آورد.

مسیح بر یوحنا آشکار می‌شود

هنگامی که برگشتم تا کسی را که با من سخن می‌گفت ببینم در پشت خود هفت شمعدان طلا دیدم در میان شمعدان‌ها انسانی دیدم شبیه عیسی مسیح که ردایی بلند بر تن داشت و کمربند طلایی دور سینه‌اش بود پاهای او می‌درخشید مانند مسی که در آتش صیقل داده باشد صدای او مثل آبشار طنین افکن بود در دست راست او هفت ستاره بود و شمشیر دو دم تیزی در دهانش قرار داشت وقتی چشمم به او افتاد مانند مرده جلوی پای او افتادم اما او دست راست خود را بر من گذاشت و فرمود: نترس من ابتدا و انتها هستم من زنده بودم و مردم و حال تا به ابد زنده‌ام و کلیدهای مرگ و عالم مردگان را در دست دارم آنچه را که دیدی و آنچه را که نشان خواهم داد همه را بنویس معنی هفت پیغام را برای تو دارد از اعمال نیک و زحمات و صبر تو آگاهم می‌دانم که از هیچ گناهی در میان اعضای خود چشم‌پوشی نمی‌کنی تو به خاطر من رنج و زحمت کشیده‌ای و مقاومت کرده‌ای با این حال ایرادی در تو می‌بینم تو مرا مثل اول دوست نداری پس به یاد آور از کجا سقوط کرده‌ای و توبه کن و به جایی که اول بودی برگرد و گرنه خواهم آمد و شمعدان تو را از میان کلیساها برخواهم داشت اما نکته خوبی در تو هست تو نیز مانند من از رفتار نقولاوی‌ها متنفر هستی.

پیام مسیح به کلیسایی که نسبت به تعالیم غلط واکنش نشان نمی‌دهد

این پیغام کسی است که می‌داند شمشیر دو دم تیز خود را چگونه به کار برد می‌دانم که در شهری به سر می‌بری که مقر حکومت شیطان است و مردم شیطان را می‌پرستند با این حال به من وفادار مانده‌ای حتی زمانی که انتیپاس شاهد وفادار من به دست هواداران شیطان شهید شد تو نسبت به من امین ماندی پس توبه کن و راه و روش خود را تغییر بده وگرنه ناگهان خواهم آمد و با شمشیر دهانم با آنان خواهم جنگید.

پیام مسیح به کلیسایی که نسبت به گناه واکنش نشان نمی‌دهد

در تمام این امور بیش از پیش ترقی می‌نمایی با اینکه ایراد بزرگ در تو می‌بینم تو به آن زن یعنی ایزابل که ادعا می‌کند نبیه است اجازه می‌دهد تا تعالیم غلط بدهد و باعث شود که خدمت‌گزاران من از راه راست منحرف شوند و به زناکاری کشیده شده خوراک‌هایی را بخورند که برای بت‌ها قربانی شده‌اند.

من به او فرصت دادم تا توبه کرده راهش را تغییر دهد اما نخواست پس اکنون به آنچه می‌گویم توجه کن من او را با تمام مریدان فاسدش در بستر بیماری خواهم انداخت و به مصیبتی سخت دچار خواهم ساخت مگر اینکه به سوی من بازگردند و از گناهانی که با او کرده‌اند دست بکشند فرزندانش را نیز از بین خواهم برد آنگاه همه کلیساها خواهند دانست که من اعماق قلب انسان‌ها را جستجو می‌کنم و از افکار همه آگاهم من به هرکس مطابق اعمالش پاداش و بها خواهم بخشید.

پیام مسیح به کلیسای بی‌روح

این پیغام را برای رهبر کلیسای سارد بنویس

این پیغام از سوی کسی است که روح هفتگانه خدا و هفت ستاره را دارد می‌دانم که ظاهراً کلیسایی فعال و زنده هستی اما در حقیقت مرده‌ای پس بیدار شو و به خود بیا و نگذار آنچه باقیمانده از بین برود چون آن هم در شرف نابودی است رفتارت در نظر خدا پر از عیب و نقص است به سوی آن پیغامی که ابتدا شنیدی و به آن ایمان آوردی بازگرد و به آن پایبند باش نزد من بازگرد وگرنه مانند دزد خواهم آمد و تو غافلگیر خواهی شد.

پیام مسیح به کلیسای خودپسند

این پیغام کسی است که همواره حقیقت را با امانت و راستی تمام آشکار می‌سازد و منشأ تمام خلقت خداست من تو را خوب می‌شناسم می‌دانم که نه سرد هستی و نه گرم کاش یکی از این دو بودی اما چون تو نه سرد هستی و نه گرم تو را از دهان خود قی کرده بیرون خواهم ریخت تو گمان می‌کنی ثروتمند هستی و هرچه می‌خواهی بدون کم و کاست در اختیار داری اما غافلی از اینکه بدبخت و بیچاره و بینوا و کور و عریان هستی.

طومار وقایع آینده

پس از آن در دست راست آن‌کسی که بر تخت نشسته بود طوماری دیدم که بر هر دو طرف آن نوشته شده بود و با هفت مهر آن را مهر و موم کرده بودند آنگاه فرشته نیرومندی را دیدم که با صدای بلند می‌پرسید: چه کسی لیاقت دارد که این مهرها را بگشاید و طومار را بخواند اما کسی پیدا نشد که قادر باشد طومار را باز کند و بخواند.

من از روی ناامیدی به شدت می‌گریستم زیرا هیچ‌کس پیدا نشد که لیاقت گشودن و خواندن طومار را داشته باشد اما یکی از آن بیست و چهار رهبر به من گفت گریه نکن ببین شیر قبیله یهودا که از نسل داود است پیروز شده است او لیاقت دارد طومار و هفت مهر آن را بگشاید.

نگاه کردم اما به جای شیر یک بره دیدم که در مقابل تخت و موجودات زنده در میان بیست و چهار رهبر ایستاده است بر روی بدن او زخم‌هایی به چشم می‌خورد که زمانی باعث مرگش شده بود او هفت شاخ و هفت چشم داشت که همان روح هفت‌گانه خداست آنگاه بره نزدیک آمد و طومار را از دست راست آنکه بر تخت نشسته بود گرفت وقتی طومار را گرفت آن بیست و چهار رهبر در برابر او سجده کردند ایشان برای او سرود جدیدی می‌خواندند سپس در رؤیا میلیون‌ها فرشته را دیدم که گرداگرد تخت و موجودات زنده و رهبران روحانی جمع شده با صدای بلند این سرود را می‌خواندند:

بره خدا که جانش را در راه نجات مردم قربانی کرد لیاقت دارد که صاحب دولت و قدرت و حکمت و قوت و حرمت و جلال و برکت باشد آنگاه صدای تمام موجودات آسمان و زمین و زیر زمین و دریاها را شنیدم که می‌سرودند و می‌گفتند: ستایش و حرمت جلال و قوت تا ابد از آن بره و آنکه بر

تخت نشسته است باد و آن چهار موجود زنده می‌گفتند: آمین و آن بیست و چهار رهبر سجده کرده او را پرستیدند.

بره مهرها را باز می‌کند، سوار اول نبرد

بره نخستین مهر را گشود ناگاه یکی از آن چهار موجود زنده با صدایی چون غرش رعد گفت: بیا نگاه کردم و اسبی سفید دیدم سوار بر اسب کسی را دیدم که کمانی در دست و تاجی بر سر داشت او اسب را به جلو می‌راند تا در نبردهای بسیار پیروز شود و فاتح جنگ باشد.

سوار دوم ناآرامی

بره مهر دوم را باز کرد این بار اسبی سرخ پدیدار شد و به سوار آن شمشیری داده شده بود تا قادر باشد صلح و سلامتی را از زمین بردارد و به جای آن هرج و مرج ایجاد کند در نتیجه جنگ و خونریزی در همه جا آغاز شد.

سوار سوم قحطی

بره مهر سوم را گشود آنگاه اسب سیاهی را دیدم که سوارش ترازویی در دست داشت سپس از میان چهار موجود زنده صدایی به گوش می‌رسید که می‌گفت: یک قرص نان گندم یا یک کیلو آرد جو به قیمت مزد روزانه یک کارگر باشد اما به روغن زیتون و شراب آسیبی نرسان

سوار چهارم مرگ

چون بره مهر چهارم را گشود صدای موجود زنده چهارم را شنیدم که گفت: بیا ناگاه اسب رنگ پریده‌ای ظاهر شد که سوارش مرگ نام داشت به دنبال او اسب دیگری می‌آمد که نام سوارش دنیای مردگان بود به آن دو اختیار و قدرت داده شد تا یک‌چهارم زمین را به وسیله جنگ قحطی بیماری و جانوران وحشی نابود سازد.

فریاد شهدا برای دادرسی

مهر پنجم را باز کرد قربانگاهی ظاهر شد زیر قربانگاه روح‌های کسانی را دیدم که برای موعظه کلام خدا و شهادت راستین خود شهید شده بودند ایشان با صدایی بلند به خداوند می‌گفتند: ای خداوند پاک و حق تا به کی بر ساکنان زمین داوری نمی‌کنی و انتقام خون ما را از آنان نمی‌گیری.

سپس به هر یک از ایشان ردایی سفید داده شد و گفتند: کمی نیز استراحت کنند تا هم‌قطارانشان که باید مانند ایشان به خاطر خدمت به عیسی مسیح شهید گردند به جمع آنان بپیوندند.

غضب خداوند

بره مهر ششم را گشود ناگهان زلزله شدیدی رخ داد خورشید مانند پارچه‌ای سیاه تیره و تار گشت ماه به رنگ خون در آمد دیدم که ستارگان آسمان بر زمین می‌ریزند درست مانند زنجیرهای نارس آسمان نیز مانند یک طومار به هم پیچید و ناپدید گشت پادشاهان زمین و رهبران جهان فرمانداران و ثروتمندان کوچک و بزرگ برده و آزاد همه خود را در غارها و در زیر تخته سنگ‌ها به کوه‌ها پنهان کردند ایشان به کوه‌ها و صخره‌ها التماس کرده می‌گفتند: ای کوه‌ها و صخره‌ها بر ما بیفتید و از ما آنکه بر تخت نشسته و از خشم بره پنهان کنید زیرا روز عظیم خشم آنان فرا رسیده است پس کیست که تاب مقاومت داشته باشد.

مهر شدن بندگان خدا

آنگاه چهار فرشته دیدم که در چهارگوشه زمین ایستاده‌اند و نمی‌گذارند بادهای چهارگانه بر زمین بوزند سپس فرشته دیگری را دیدم که از مشرق می‌آمد و مهر بزرگ خدای زنده را به همراه می‌آورد او به آن چهار فرشته که قدرت داشتند به زمین و دریا صدمه بزنند گفت: دست نگه دارید که دریا و زمین و درختان آسیبی نرسانید تا مهر خدا را به پیشانی بندگان او بزنم.

تعداد کسانی که از بنی‌اسرائیل مهر شدند یک‌صد و چهل‌وچهار هزار نفر بود از هر قبیله دوازده هزار.

گروه بزرگ نجات یافتگان

پس از آن دیدم که گروهی بزرگ از تمام ملت‌ها قبیله‌ها نژادها و زبان‌ها در پیشگاه تخت خدا و در برابر بره ایستادند تعداد ایشان چنان زیاد بود که امکان شمارش وجود نداشت ایشان لباس سفید بر تن داشت و در دستشان شاخه‌های نخل دیده می‌شد آنان همگی با صدای بلند می‌گفتند: نجات ما از جانب خدای ما که بر تخت نشسته و از جانب بره است در این هنگام تمام فرشتگان گرداگرد تخت و رهبران و چهار موجود زنده ایستادند و خدا را پرستش نمودند آنگاه یکی از آن بیست و چهار رهبر به من رو کرد و پرسید: آیا می‌دانی این سفیدپوشان چه کسانی هستند و از کجا می‌آیند

جواب دادم: ای سرورم شما می‌دانید

به من گفت: این‌ها همان کسانی هستند که از عذاب سخت بیرون آمدند ایشان لباس‌های خود را با خون بره شسته و سفید کردند.

مهر هفتم سکوت مطلق

آسمان نزدیک به نیم ساعت سکوت مطلق بر قرار شد سپس دیدم که هفت فرشته در حضور خدا ایستادند به ایشان هفت شیپور داده شد.

شیپور اول تگرگ و آتش

فرشته اول شیپور را به صدا در آورد ناگهان بر روی زمین تگرگ و آتش خون بارید به طوری که یک‌سوم زمین آتش گرفت و یک‌سوم درختان با تمام سبزه‌ها سوخت.

شیپور دوم کوه آتشین

یک‌سوم تمام کشتی‌ها غرق شد و یک‌سوم دریا مانند خون سرخ شد و یک‌سوم تمام ماهی‌ها مردند.

شیپور سوم ستاره تلخ

وقتی فرشته سوم شیپور را به صدا در آورد ستاره‌ای شعله‌ور از آسمان بر روی یک‌سوم رودخانه‌ها و چشمه‌ها افتاد سپس آب‌ها تلخ گردیدند و بسیاری به خاطر تلخی آن جان سپردند.

شیپور چهارم تاریکی نور آسمان

همچنان که غرق تماشا بودم عقابی دیدم که در وسط آسمان پرواز می‌کند و با آواز بلند می‌گوید: وای وای وای به حال اهالی زمین زیرا اکنون آن سه فرشته دیگر نیز شیپور خود را به صدا در خواهند آورد.

شیپور پنجم چاه بی‌انتها

هنگامی که فرشته پنجم شیپورش را به صدا در آورد دیدم که ستاره‌ای از آسمان به زمین افتاد به این ستاره کلید چاهی را دادند که انتها نداشت وقتی با آن کلید چاه را باز کرد دودی مانند کوره‌ای بزرگ برخاست به طوری که آفتاب و هوا از دود چاه تیره و تار شد سپس از میان دود ملخ‌هایی بیرون آمده روی زمین را پوشاندند و به ایشان قوت داده شد تا مانند عقرب‌ها نیش بزنند اما به ایشان گفته شد که با علف و گیاه و درختان کاری نداشته باشند بلکه فقط به کسانی آسیب برسانند که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند به ایشان اجازه داده شد که مردم را برای مدت پنج ماه آزار و شکنجه دهند تا ایشان درد بکشند اما به ملخ‌ها اجازه کشتن مردم داده نشد در آن زمان مردم آرزو مرگ خواهند کرد اما مرگ از آن‌ها گریزان خواهد بود.

شیپور ششم دیوهای کشتار

از چهارگوشه قربانگاه زرین که در حضور خداوند قرار داشت صدایی شنیدم که به فرشته ششم گفت: آن چهار فرشته شیطان را که در رود بزرگ فرات بسته شده‌اند آزاد ساز آنگاه آن چهار فرشته که برای چنین روز و ساعتی آماده شده بودند آزاد شدند تا یک‌سوم مردم را بکشند شنیدم که آن‌ها دویست میلیون جنگجوی سواره در اختیار داشتند.

اسبان و سواران ایشان را در رؤیا دیدم سواران آنان زره جنگی به تن داشتند که بعضی به رنگ سرخ آتشین بعضی آبی آسمانی و بقیه به رنگ زرد بود سر اسبان ایشان بیشتر به سر شیران شباهت داشت و از دهانشان دود و آتش و گوگرد بیرون می‌آمد که یک‌سوم مردم را از بین برد قدرت مرگبار آن‌ها نه تنها در دهانشان بلکه در دمشان نیز بود زیرا دمشان شبیه سر مارهایی بود که نیش می‌زنند و زخم‌های کشنده ایجاد می‌کنند کسانی که از این بلایا جان سالم به در بردند باز حاضر نشدند خدا را بپرستند ایشان حاضر نبودند از پرستش شیطان و بت‌های طلا نقره و مس و سنگ و چوب دست بکشند بت‌هایی که نه می‌بینند و نه می‌شنوند و نه دزدی می‌کنند اینان نمی‌خواستند از آدم‌کشی جادوگری زنا و دزدی دست بکشند و به سوی خدا بازگردند.

طومار کوچک در دست فرشته

سپس فرشته نیرومند دیگری را دیدم که از آسمان پایین می‌آمد گرداگرد آن را ابر فرا گرفته بود و در فراز سرش رنگین‌کمانی قرار داشت صورتش نیز همچون خورشید می‌درخشید و پاهایش مانند ستون‌های آتش بود در دست او طومار کوچک بازی قرار داشت او پای راستش را بر دریا و پای چپش را بر زمین گذاشت و صدایی بلند چون غرش شیر برآورد در جواب او هفت رعد سخن گفتند.

آماده می‌شدم تا گفته رعدها را بنویسم که ناگاه صدایی از آسمان به من گفت: دست نگه‌دار سخن رعدها را نباید آشکار شود آن‌ها را ننویس آنگاه فرشته‌ای که بر دریا و خشکی ایستاده بود دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرد و به کسی که تا به ابد زنده است و آسمان و زمین و دریا را با تمام موجودات آن آفرید قسم خورد که دیگر تأخیری پیش نخواهد آمد بار دیگر صدایی از آسمان به من گفت: برو و طومار را از آن فرشته که بر دریا و خشکی ایستاده است بگیر پس به او نزدیک شدم و از او خواستم طومار را به من بدهد گفت: بگیر و بخور وقتی آن را در دهانت گذاشتی مانند عسل شیرین خواهد بود اما وقتی خوردی معده‌ات تلخ خواهد شد پس طومار را گرفتم و خوردم درست همان‌گونه که گفته بود در دهانم شیرین بود اما وقتی خوردم معده‌ام تلخ شد آنگاه به من گفت: تو باید باز هم درباره قوم‌ها نژادها زبان‌ها و پادشاهان پیشگویی کنی.

ظهور جانور عجیب

آن جانور عجیب از چاه بی‌انتها بیرون می‌آید به ایشان اعلان‌جنگ خواهد داد و ایشان را شکست داده خواهد کشت اجساد آنان نیز سه روز و نیم در خیابان‌های شهر بزرگ به نمایش گذاشته خواهد شد این شهر از نظر ظلم و فساد شبیه سدوم و مصر است و جایی است که خداوند ایشان نیز بر روی صلیب کشته شد در این مدت به کسی اجازه داده نمی‌شود که جنازه ایشان را دفن کنند در سراسر دنیا همه برای مرگ این دو سخنگوی خدا که این‌قدر مردم را به تنگ آورده بودند به جشن و پای‌کوبی خواهند پرداخت و برای یکدیگر هدیه خواهند فرستاد اما پس از سه روز روح حیات‌بخش از جانب خدا وارد جسم آن دو خواهد شد و ایشان بر پاهای خود خواهند ایستاد با دیدن این صحنه همه دچار وحشتی هولناک خواهند شد در همان لحظه زلزله شدیدی رخ خواهد داد و یک دهم شهر را با خاک یکسان خواهد کرد هفت هزار نفر کشته خواهند شد آنگاه کسانی که زنده مانده‌اند از ترس خدای آسمان را پرستش خواهند کرد.

شیپور هفتم پرستش در آسمان

دو بلا گذشت بلای سوم به زودی از راه خواهد رسید درست در همین هنگام که فرشته هفتم شیپور خود را به صدا در آورد از آسمان صداهای بلندی به گوش رسید که می‌گفتند: سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و او تا ابد سلطان است.

آنگاه بیست و چهار نفر روحانی روی بر زمین نهاده و او را سجده کردند و گفتند: ای خداوند خدای توانا و بی‌همتا که هستی و بودی تو را سپاس می‌گوییم که قدرت عظیم خود را به دست گرفته و سلطنت را شروع کرده‌ای.

شیپور هفتم رؤیای زن

پس از آن منظره عجیبی در آسمان دیده شد که از پیش‌آمد مهمی خبر می‌داد زنی را دیدم که آفتاب را مانند لباس به تن کرده بود و در زیر پاهایش مکاه قرار داشت و بر سرش تاجی با دوازده ستاره بود زن آبستن بود و از درد زایمان می‌نالید و برای زاییدن دقیقه شماری می‌کرد.

شیپور هفتم اژدها دشمن زن آبستن

ناگهان اژدها سرخی وارد شد که هفت سر هفت تاج و ده شاخ داشت او با دمش یک‌سوم ستارگان را به دنبال خودش کشید و بر زمین ریخت اژدها در مقابل زن که در حال زاییدن بود ایستاد تا نوزاد او را ببلعد زن پسری زایید این پسر با قدرتی مستحکم بر تمام قوم‌ها حکومت خواهد کرد پس وقتی پسر به دنیا آمد او را به سوی خدا و تخت او بالا بردند اما مادرش به بیابان فرار کرد خدا آنجا را برای او آماده کرده بود تا به مدت هزار و دویست و شصت روز از او مراقبت گردد.

دشمنی اژدها با زن

چون اژدها دید که به زمین افتاده است دست آزار به سوی زنی که پسر را زاییده بود دراز کرد اما به زن دو بال عقاب بزرگ دادند تا به بیابان پرواز کند و در آنجا سه سال و نیم از گزند مار که همان اژدهاست در امان باشد ناگاه از دهان مار سیل آب به سوی جاری شد تا او را در کام خود فرو برد اما زمین به یاری زن شتافت و دهان باز کرد و سیل را فرو برد آنگاه اژدها به زن خشم گرفت و رفت تا با بقیه فرزندان او بجنگد فرزندان آن زن همان کسانی هستند که فرمان خدا را اطاعت می‌کنند و به حقیقتی که به وسیله عیسی آشکار شد پایبند می‌باشند پس اژدها به کنار دریا رسید و در آنجا به انتظار نشست.

جانوری از دریا

در این هنگام جانور عجیبی را در رؤیا دیدم که از دریا بالا می‌آمد این جانور هفت سر داشت و ده شاخ این جانور شبیه پلنگ بود اما پاهایش مانند پاهای خرس و دهانش مانند دهان شیر بود آنان اژدها را که چنین قدرتی به آن جانور داده بود ستایش کردند جانور را نیز پرستش کرده گفتند: کیست به بزرگی او که می‌تواند با او بجنگد پس اژدها آن جانور را تحریک کرد تا به گزافه‌گویی بپردازد و به او اختیار داد تا امور دنیا را به مدت چهل‌ودو ماه به دست گیرد در تمام این مدت به اسم خدا و خانه خدا و تمام کسانی که در آسمان‌اند کفر می‌گفت اژدها به او قدرت داد تا با خلق خدا جنگیده ایشان را شکست دهد و بر تمام قوم‌ها و قبیله‌ها از هر زبان و نژاد دنیا حکومت کنند همه مردم دنیا نیز او را پرستش خواهند کرد اما کسانی که نامشان از آغاز آفرینش در دفتر زندگان که متعلق به بره است نوشته شده او را پرستش نخواهند نمود.

جانوری از زمین

این جانور دو شاخ داشت مانند شاخ‌های بره و صدای وحشتناکش مثل صدای اژدها بود او تمام قدرت آن جانور اول را که از زخم کشنده خود خوب شده بود به کار می‌گرفت و از تمام دنیا می‌خواست که جانور اول را بپرستند او پیش چشمان همه دست به معجزات باورنکردنی می‌زد و از آسمان آتش به زمین می‌آورد او در حضور جانور اول قدرت می‌یافت تا این کارهای عجیب را انجام داده مردم جهان را فریب دهد و ایشان را وادار سازد مجسمه بزرگی از جانور اول بسازند همان جانوری که از زخم شمشیر جان سالم به در برده بود او حتی توانست به آن مجسمه جان ببخشد و سخن گوید و همه کسانی را که او را نمی‌پرستیدند به مرگ محکوم کند از این گذشته بزرگ و کوچک فقیر و غنی برده و آزاد را وادار کرد تا علامت مخصوص را بر روی دست راست یا پیشانی خود بگذارند و هیچ‌کس نمی‌توانست شغلی بدست آورد تا چیزی بخرد مگر اینکه علامت مخصوص این جانور یعنی اسم یا عدد او را بر خود داشته باشد این خود معمایی است و هرکه باهوش باشد می‌تواند عدد جانور را محاسبه کند این عدد اسم یک انسان است و مقدار عددی حروف اسم او به ۶۶۶ می‌رسد.

فرشته ویرانی

سپس فرشته‌ای را دیدم که به دنبال او آمد و گفت: بابل آن شهر بزرگ ویران شد زیرا تمام قوم‌های دنیا را فاسد می‌کرد و آن‌ها را وا می‌داشت از شراب فساد و هرزگی او مست شوند.

فرشته داوری

فرشته سوم آمد و فریاد زد: کسانی که آن جانور و مجسمه‌اش را بپرستند و علامت مخصوص او را بر پیشانی یا دست خود بگذارند جام غضب و مکافات خدا را که در آن هیچ تخفیف و استثنائی نیست خواهند نوشید و در حضور فرشتگان مقدس و بره در شعله‌های آتش عذاب خواهند کشید.

پاداش شهدا

صدایی از آسمان شنیدم که به من می‌گفت: این را بنویس خوشا به حال کسانی که در راه مسیح شهید شده‌اند زیرا روح خدا می‌گوید دیگر از تمام دردها آسوده می‌شوند و به خاطر کارهای خوبی که کرده‌اند پاداش می‌گیرند.

هفت بلای آخر

در آسمان علامت عجیب دیگری دیدم که از پیش‌آمد مهمی خبر می‌دهد هفت فرشته هفت بلای آخر را نگه داشته بودند که بر زمین بریزند تا سرانجام خشم و غضب خدا فروکش کند.

سپس در برابر خود چیزی شبیه دریای آتش و بلور دیدم که موج می‌زد در کنار دریا کسانی ایستاده بودند که بر آن جانور خبیث و مجسمه‌اش و بر آن علامت و عددش پیروز شده بودند همه آنان چنگ‌هایی در دست داشتند که خدا به ایشان داده بود و سرود موسی خدمتگزار خدا و سرود بره را می‌خواندند و می گفتند:

بزرگ و باشکوه است کارهای تو ای خدای بی‌همتا

حق و عدل است راه‌های تو ای پادشاه قوم‌ها

کیست که از تو نترسد

کیست که نام تو را حرمت ندارد

زیرا تنها تو پاکی همه قوم‌ها خواهند آمد و در پیشگاه تو پرستش خواهند کرد

زیرا کارهای خوب تو را می‌بینند

سپس نگاه کردم و مقدس‌ترین جایگاه حضور خدا را در آسمان دیدم که به روی همه کاملاً باز بود آن هفت فرشته که هفت بلا را نگاه داشته بودند تا بر زمین بریزند از حضور خدا بیرون آمدند یکی از

آن چهار موجود زنده به هریک از فرشتگان جامی زرین داد که پر از غضب خدای زنده ابدی بود در همین وقت جایگاه مقدس از دود قدرت و جلال خدا پر شد به طوری که دیگر کسی نمی‌توانست داخل شود تا اینکه آن هفت فرشته هفت بلا را ریختند.

جام اول زخم

فرشته اول بیرون رفت و وقتی جام خود را بر زمین خالی کرد در بدن کسانی که نشان آن جانور خبیث را داشتند و مجسمه‌اش را پرستش می‌کردند زخم‌هایی دردناک و وحشتناک به وجود آمد.

جام دوم مرگ در دریا

فرشته دوم جامش را در دریا ریخت آب دریا مثل خون مرده شد و تمام جانورانم دریایی مردند.

جام سوم آب خون می‌شود

سپس فرشته سوم جام خود را بر رودخانه‌ها و چشمه‌ها ریخت و آب آن‌ها به خون تبدیل شد.

جام چهارم حرارت سوزان

فرشته چهارم جامش را روی خورشید خالی کرد تا خورشید با آتش خود همه را بسوزاند همه از آن حرارت شدید سوختند اما به جای اینکه از افکار و رفتار بد خود دست بکشند و خدا را جلال دهند به سبب این بلایا به او کفر می‌گفتند.

جام پنجم بلای تاریکی

فرشته پنجم جامش را بر تخت آن جاندار خبیث ریخت به طوری که تاج و تخت او در تاریکی فرو رفت و دار و دسته او از شدت درد لب‌های خود را می‌گزیدند ایشان نیز از درد زخم‌های خود به خدای آسمان کفر گفتند و از رفتار بد خود دست نکشیدند.

جام ششم رودخانه بزرگ خشک می‌شود

فرشته ششم جامش را بر رودخانه بزرگ فرات خالی کرد و آب رودخانه خشک شد به طوری که پادشاهان مشرق زمین توانستند نیروهای خود را بدون برخورد با مانع به سوی غرب ببرند در این هنگام دیدم که سه روح ناپاک به شکل قورباغه از دهان اژدها و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغین بیرون آمدند این روح‌های ناپاک که می‌توانند معجزه نیز بکنند به سراغ تمام فرمانروایان جهان رفتند تا در آن رز عظیم داوری خدا آن‌ها را به ضد خداوند وارد جنگ کنند.

جام هفتم خرابی‌هایی از هوا

فرشته هفتم نیز جامش را در هوا خلی کرد آنگاه از تخت از جایگاه مقدس آسمان صدایی بلند شنیدم که می‌گفت: همه چیز به پایان رسید.

در آن هنگام چنان رعد و برق و زمین لرزه شدیدی شد که در تاریخ بشر سابقه نداشت شهر بزرگ بابل سه قسمت گردید و سایر شهرهای دنیا به صورت توده‌های پاره‌های سنگ درآمدند به این ترتیب خدا از گناهان بابل چشم‌پوشی نکرد بلکه جام غضب خود را تا آخرین قطره به او نوشانید.

رؤیای فاحشه معروف دنیا

آنگاه یکی از آن هفت فرشته که بلاها را بر روی زمین ریخته بود نزد من آمد و گفت: همراه من بیا تا به تو نشان دهم که بر سر آن فاحشه معروف که بر آب‌های دنیا نشسته است چه خواهد آمد زیرا پادشاهان دنیا با او زنا کرده‌اند و مردم دنیا از شراب زنای او سرمست شده‌اند در آنجا زنی را دیدم که بر روی یک حیوان سرخ نشسته بود حیوان هفت سر و دو شاخ داشت بر روی بدنش شعارهای کفرآمیزی نسبت به خدا نوشته شده بود لباس زن سرخ و ارغوانی و جواهرات او از طلا و سنگ‌های قیمتی مروارید بود و در دستش یک جام طلایی داشت که پر بود از فساد و زنا بر پیشانی او این اسم مرموز نوشته شده بود بابل بزرگ مادر فاحشه‌ها و فساد دنیا

نابودی نهایی بابل

بعد از این رؤیاها فرشته دیگری را دیدم که با اختیار تام از آسمان پایین آمد این فرشته چنان می‌درخشید که تمام زمین را روشن ساخت او با صدای بلند فریاد می‌زد: بابل بزرگ ویران شد به کلی ویران شد بابل کمینگاه دیوها و شیاطین و ارواح ناپاک شده است در این وقت از آسمان صدای دیگر شنیدم که می‌گفت: ای خلق من از این شهر دل بکنید و خود را با گناهانش آلوده نسازید وگرنه شما نیز به همان مکافات خواهید رسید زیرا گناهانش تا فلک بر روی هم انباشته شده است از این رو خداوند آماده است تا او را به مجازات جنایت‌هایش برساند پس برای کارهای زشتش دو چندان به او سزا دهید آن همه جام‌های شکنجه که برای دیگران پر کرد دو برابر به خودش بنوشانید تا حال زندگی‌اش غرق در تجمل خوش‌گذرانی بوده است از این پس آن را با شکنجه و عذاب لبریز کنید می‌گوید: من بیوه بینوا نیستم من ملکه این تاج و تخت می‌باشم هرگز رنگ غم و اندوه را نخواهم دید پس در عرض یک روز مرگ و عزا و قحطی دامن‌گیر او خواهد شد و او در آتش خواهد سوخت چون خداوند توانا این شهر را به مکافات خواهد رساند.

شرح و سرنوشت بابل

آنگاه یک فرشته پرقدرت تخته سنگی را که به شکل آسیاب بود برداشت و آن را به دریا انداخت و فریاد زد: شهر بزرگ بابل تا ابد ناپدید خواهد شد همان‌طور که این سنگ ناپدید شد دیگر هرگز نوای موسیقی در این شنیده نخواهد شد و دیگر صدای آسیاب در آن به گوش نخواهد رسید دیگر هیچ چراغی در آن روشن نخواهد شد و صدای شادی عروس و داماد در آن شنیده نخواهد شد خون تمام فرستادگان و خلق خدا که شهید شدند به گردن این شهر است.

کلمه خدا سوار بر اسب سفید

سپس دیدم که آسمان گشوده شد در آنجا اسب سفیدی بود که سوارش امین و حق نام داشت زیرا به حق و عدل مبارزه و مجازات می‌کند چشمان او مانند شعله‌های آتش بود و بر سرش تاج‌های فراوانی قرار داشت بر پیشانی‌اش نیز نامی نوشته شده بود که فقط خودش نام او را می‌دانست او جامه خون‌آلودی در بر داشت و لقبش کلمه خدا بود لشگرهای آسمانی که لباس‌های کتان سفید و پاک بر تن داشتند سوار بر اسب‌های سفید به دنبال او می‌آمدند از دهانم او شمشیر تیزی بیرون می‌آمد تا با آن قوم‌های بی‌ایمان را سرکوب کند او با عصای آهنین بر آنان حکم‌رانی خواهد نمود و با پاهای خود شراب خشم خداوند توانا را در چرخشت خواهد فشرد بر لباس و ران او نیز این لقب نوشته شده بود شاه شاهان و سرور سروران

اسارت هزار ساله شیطان

فرشته‌ای را دیدم که از آسمان پایین آمد او کلید چاه بی‌انتها را همراه می‌آورد و زنجیری محکم نیز در دست داشت او اژدها را گرفت و به زنجیر کشید و برای مدت هزار سال به چاه بی‌انتها افکند سپس در چاه را بست و قفل کرد تا در آن هزار سال نتواند هیچ قومی را فریب دهد پس از گذشت این مدت اژدها برای چند لحظه آزاد گذاشته خواهد شد اژدها همان مار قدیم است که اهریمن و شیطان نیز نامیده می‌شود.

نابودی نهایی شیطان

پس از پایان آن هزار سال شیطان از زندان آزاد خواهد شد او بیرون خواهد رفت تا قوم‌های گوناگون یعنی جوج و مأجوج را فریب داده برای جنگ متحد سازد سپس شیطان که ایشان را فریب داده بود به دریاچه آتش افکنده خواهد شد دریاچه آتش همان جایی است که با گوگرد می‌سوزد و آن جاندار خبیث و پیامبر دروغین او شبانه‌روز تا به ابد در آنجا عذاب می‌کشند.

روز داوری آخر

آنگاه تخت بزرگ سفیدی را دیدم بر آن تخت کسی نشسته بود که زمین و آسمان از روی او گریختند و ناپدید شدند سپس مرده‌ها را دیدم از بزرگ و کوچک در برابر خدا ایستاده‌اند دفترها یکی پس از دیگری گشوده شد تا به دفتر زندگان رسید مردگان همگی بر طبق نوشته‌های این دفتر محاکمه شدند بنابراین دریا و زمین و قبرها مرده‌هایی را که در خود داشتند تحویل دادند تا مطابق اعمالشان محاکمه شوند.

برای دریافت کتاب‌های بیشتر و ارتباط، از طرق زیر ما را دنبال کنید

www.Idealistic-World.com